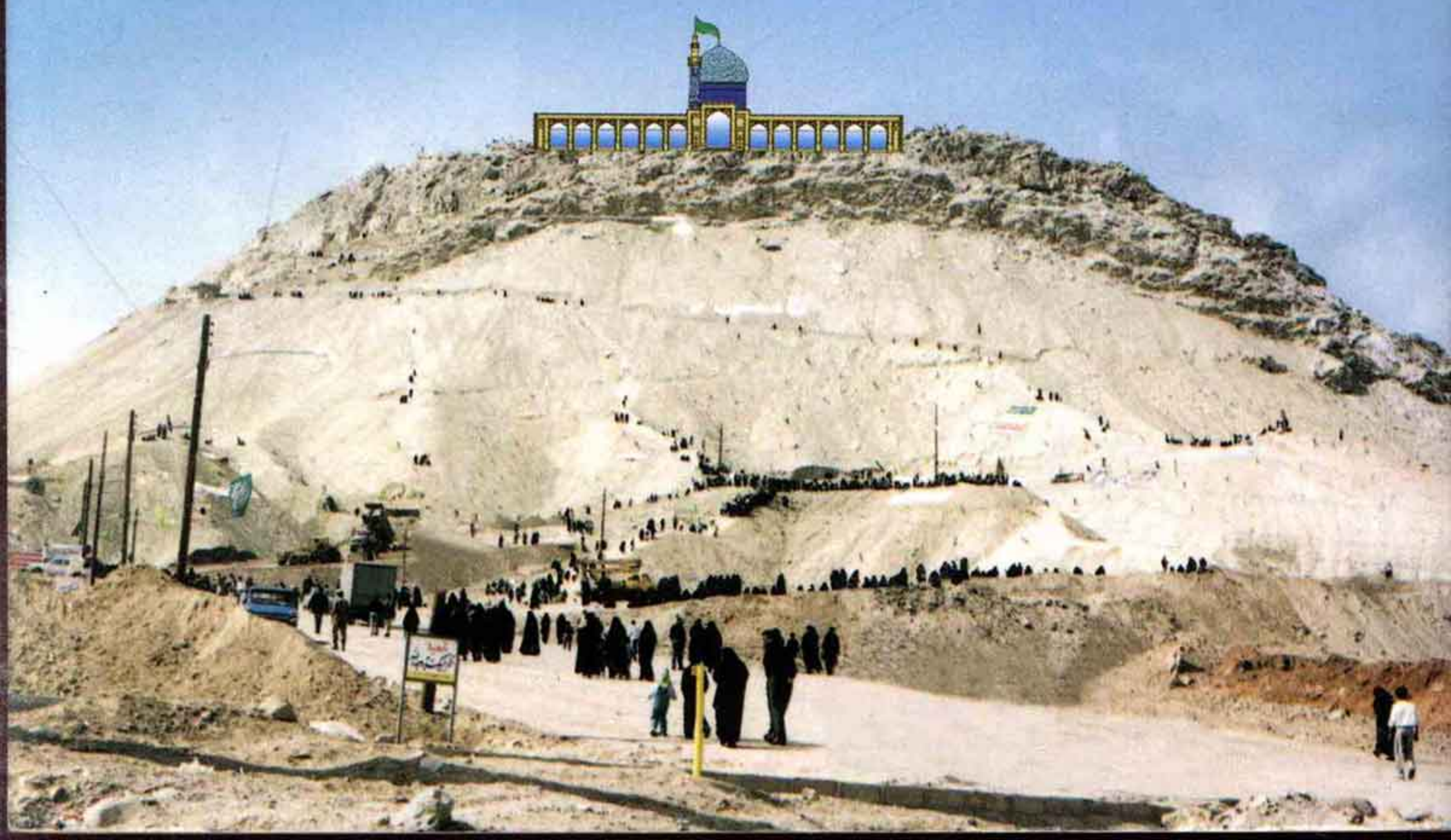


مسجد کوہ حسرتی علیہ السلام

اُردو گاہ

یاوران حضرت مہدی (عج)

تحقیق از: علی روحسانی نیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسجد کوہ خضر
السلام علیہ

اردو گاہ

منتظران حضرت ولی عصر (عج)

پروہش : علی روحانی نیا

شناسنامه کتاب

نام کتاب: مسجد کوه خضر علیه السلام اردوگاه منتظران حضرت ولی عصر (ع)

پژوهش: علی روحانی نیا

ناشر: اداره کل اوقاف قم

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

حروفچین: غلامحسین فلاحیان

چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم

لیتوگرافی: قم اسکنر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	انگیزه نگارش کتاب
۳	منابع تاریخی کوه خضر(ع)
۴	حدیث ابن یمانی
۷	تحقیقی در منابع حدیث کوه خضر(ع)
۱۱	تحقیقی در رابطه با کتاب خلاصة البلدان
۱۳	تحقیقی در رابطه با کتاب مونس الحزین
۱۷	مسجد کوه خضر(ع) در کتاب تاریخ دارالایمان قم
۱۸	مسجد کوه خضر(ع) در دوره قاجاریه
۱۹	مسجد کوه خضر(ع) در کتاب افضل الملک کرمانی
۲۱	مسجد کوه خضر(ع) در کتاب تربت پاکان
۲۲	مسجد کوه خضر(ع) در کتاب آئینه اسرار
۲۳	مسجد کوه خضر(ع) معبد عباد چله نشین
۲۵	مسجد کوه خضر(ع) در کتاب لاله‌ای از ملکوت
۲۷	مسجد کوه خضر(ع) و مرحوم حاج شیخ جعفر مجتهدی
۲۹	مسجد کوه خضر(ع) محل ملاقات ابرار
۳۱	سخنان آیت الله بنی فضل
۳۲	خاطرات آقای زرنندی

۳۵	 مسجد کوه خضر(ع) و مرحوم شیخ مرتضی زاهد قمی
۳۷	 قصه‌ای شنیدنی
۳۸	 خاطرات آقای کوه خضری
۴۴	 مسجد کوه خضر(ع) مورد عنایت آقااست
۴۷	 برنامه عمران مسجد کوه خضر(ع)
۴۹	 نماز مخصوص حضرت خضر(ع)
۵۰	 علت نامگذاری این کوه بنام خضر(ع)
۵۶	 فضیلت‌های ۱۲ گانه جناب خضر(ع) و حضرت مهدی (ع)
۶۴	 حضرت خضر(ع) کهن‌ترین یار حضرت مهدی (ع)
۶۶	 جناب خضر(ع) محتاج دیدن مهدی(ع) است
۶۸	 کوه خضر(ع) و موقعیت آن
۷۰	 کوه نیایش یا دوبرادران
۷۴	 تدفین شهداء گمنام در کوه خضر(ع)
۷۸	 اخبار شهداء کوه خضر(ع) در مطبوعات
۸۲	 شهیدان گمنام اصحاب کهف زمان
۹۴	 مسجد کوه خضر(ع) اردوگاه منتظران دولت حضرت مهدی(ع)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

انگیزه نگارش کتاب

در سال ۱۳۷۹ که اینجانب بعنوان معاونت اجرائی مسجد مقدس جمکران توفیق خدمتگذاری به زوار حرم و حریم وجود مقدس حضرت بقیه الله در مسجد مقدس جمکران را داشتم مطالبی چند بصورت شفاهی از افراد مختلف نسبت به کوه معروف خضر می شنیدم، که در روایت آمده است "نزدیکیهای قم و جمکران کوه سفیدی است که در هنگام ظهور پرچم حضرت قائم بر بالای این کوه نصب می شود، آن مکان پایگاه استقرار «پرچم» قیام آن حضرت خواهد شد".

و در بازدیدی که به اتفاق دوستان از کوه خضر داشتیم گفتند که این «کوه خضر» است، که از قدیم الایام به این نام معروف بوده، از آن زمان که با تاریخ کوه خضر آشنایی اجمالی پیدا کردم پیوسته در مسیر بطرف جمکران همواره با نگاهی سرشار از عشق و انتظار و حسرت و امید، به افق آن کوه که حدوداً در قبله قم و جنب کوه معروف به دو برادران و در نقطه ای مشرف بر مسجد مقدس جمکران قرار دارد، می نگریستم گرچه مشاهده این کوه ناخودآگاه جلوه گر نقطه عنایت و تقدس است، اما به دلیل اینکه نتوانسته بودم مدرک معتبر و موثقی بر تقدس آن بیابم دچار نوعی خلل و تردید بودم، تا اینکه پس از تتبع بسیار، روایاتی که دلالت بر سابقه کوه مذکور دارد بصورت اجمالی در چندین کتب تاریخی و روایی پیدا کردم.

و پس از ملاحظه این روایات و اقوالی که از موثقین و معتمدین در این رابطه شنیدم، امروز بحقیقت گواهی میدهم که این مکان مقدس، کاملاً ارزشمند، پربرکت و تاکنون منشأ عنایت و برکاتی بوده و خواهد بود، که حوادث بعدی نیز این حقیقت را تثبیت نموده و می نماید.

اینک با توجه به سوابق پرونده «مسجد کوه خضر» در اداره کل اوقاف قم و منابع و مصادری که در این خصوص وجود دارد و بویژه با عنایت به تدفین ۱۴ شهید عزیز گمنام در دامنه این کوه مقدس و همکاری و همیاری همه ارگانهای مسئول و شرکت فوق العاده امت حزب الله در مراسم تشییع شهداء عظیم الشان که یکبار دیگر موقعیت این فضای معنوی را در اذهان زنده کرد...

احساس مسئولیتی جدید نسبت به بهره‌وری و عزت‌گیری هرچه بیشتر این فضای مقدس و نورانی، اینجانب را بر آن داشت که با همه گرفتاریهای اجرایی و بضاعت مزجات علمی مبادرت به تهیه این اثر هر چند ناقص نمایم، و در همین فرصت در کمال ادب از محضر همه اساتید و اعظام استدعا دارم که در تکمیل این اثر تمهیدی، اهداف این نوشته را تکمیل فرمایند، که قهراً بدلیل تازگی و نو بودن این تحقیق، نیاز به تتبع بیشتر در این زمینه و در مجموعه سرفصلهائیست که در این کتاب عنوان گردیده است.

اینجانب رجاء واثق دارد که انشاءالله این نوشتار زمینه تحقیق و گرایش هرچه بیشتر آیندگان و عاشقان و منتظران دولت حضرت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را به این مکان مقدس فراهم آورد و این مکان مقدس انشاءالله در آینده نزدیک به اردوگاه بزرگ همه منتظران دولت حضرت مهدی علیه السلام تبدیل گشته و پرچم مقدس آن حضرت در راستای تحقق معجزه آسای فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام در بالای این کوه مقدس در اهتزاز آید. آمین یارب العالمین

خدمت‌گذار حقیر مکتب اهل بیت علی روحانی نیا - قم

اداره کل اوقاف و امور خیریه

۱۷ رمضان المبارک ۱۴۲۳

۱۳۸۱/۹/۱

۱ - منابع تاریخی کوه خضر نبی علیه السلام

کتاب ارزشمند انوار المشعشعین از تألیفات مرحوم شیخ محمد علی بن حسین بن علی بن بهاء الدین نائینی قمی است که جلد اول آن حدود یکصد سال قبل چاپ و بسیار کمیاب و جلد دوم و سوم آن نیز بصورت نسخه خطی موجود بوده است که اخیراً توسط مرکز قم شناسی کتابخانه حضرت آیت الله العظمی نجفی هر سه جلد به زیور طبع آراسته گردیده، که در همین فرصت مراتب تشکر و قدردانی خود را از زحمات ارزشمند حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمود مرعشی تولیت محترم کتابخانه مزبور و همکاران محترمشان در جهت احیاء سوابق بقاع متبرکه استان در این کتاب ارزشمند اعلام میدارم.

مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رضوان الله تعالی علیه در مورد شخصیت این مورخ عالیقدر در مقدمه کتاب مزبور چنین نوشته اند:

«المورخ الثقة الامین، الشیخ محمد علی بن حسین بن علی بن بهاء الدینی النائینی الاردستانی الکجوئی اصلاً، نزیل قم، صهر العلامة الحاج ملا محمد صادق - صاحب مدرسه الشهيرة فی قم - توفی المؤلف سنة ۱۳۳۵ و دفن قریباً من قبر المحقق القمی - صاحب القوانین - خلف عدة اولاد: منهم الوجیه المحترم الحاج میرزا غفار و غیره، وله عدة تألیفات».

چنانکه ملاحظه می فرمایید مرحوم آیت الله العظمی مرعشی ایشان را مورخی مورد اعتماد و امین معرفی فرموده، که ساکن قم و داماد مرحوم آیت الله العظمی علامه حاج سید صادق، صاحب مدرسه و مسجد معروف در قم بوده، در حدود ۸۸ سال قبل فوت کرده و قبر او در شیخان و نزدیک مقبره میرزای قمی است.

این مورخ محقق و معتمد در صفحه ۴۵۳ جلد اول کتاب از وجود مقدس امیر مؤمنان علی علیه السلام در رابطه با اهمیت قم و نقش آن در دولت حضرت مهدی علیہ السلام حدیثی را خطاب به فرزند یمانی آورده است که قسمتهائی از متن آن حدیث شریف را در اینجا می آوریم:

شیخ صدوق، با استناد صحیح و معتبر از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که آنحضرت فرمود:

«ای پسر یمانی در اول ظهور خروج نماید قائم آل محمد از شهری که آن را قم می گویند، و مردم را دعوت کند به حق و همه خلائق از شرق و غرب به آن شهر قصد کنند و اسلام تازه گردد... و حق ظاهر شود و میراث جمله انبیاء بر پشت زمین به آن باشد، ای پسر یمانی این زمین مقدسه است که پاک از تمام لوئهاست و از خدای تعالی درخواستی که بهترین خلق خود را ساکن او گرداند و دعایش مستجاب شده و حشر و نشر مردم در این زمین باشد... و بر این زمین اثر نور حق ساطع شود، و از این زمین رائحه و بوی مشک شنوند، حق تعالی بیت العتیق را به این شهر فرستد و منازل و مواضع زمینهای اینجا عالی و گرانها گردد تا حدی که چندان زمین که پوست گاوی باشد به پانصد دینار بدهند و عبارت آن هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد، و رأیت وی (پرچم) بر این «کوه سفید» بزنند، به نژاد دهی کهن که در جنب مسجد است و آن را «جمکران» خوانند.

ملاحظه می فرمائید که حضرت امیر علیه السلام در این روایت خبر از مسجد جمکران داده و فرموده که کوه سفید به نزدیک دهی کهن در جنب مسجد است و الحال همین طریق است، و حال آنکه در آن زمان آثار

مسجد نبوده است.

و چنانچه در صفحه ۳۳۸ کتاب فوق الذکر آمده است، «احادیث دلالت دارد که آن حضرت پرچمهای متعددی دارد»

مؤلف محترم در رابطه با مسجد کوه خضر چنین فرموده اند:

«مراد از این کوه سفید که حضرت امیر علیه السلام خبر می دهد که رایت حضرت حجت (عج) را بر او زنند، همین کوهی است که مشهور است در قم به کوه خضر، زیرا که کوهی که سفید باشد، و نزدیک ده جمران باشد، به غیر آن نیست،^(۱) هر چند شنیده ایم که پشت آن کوههای دیگر که نزدیک جمران اند یک کوه دیگر هم هست که سفید است، لکن علی الظاهر که نظر کنی کوه دیگر به این نشانی غیر از کوه خضر به نظر نیاید. و بنابر این مطلب چنین معلوم می شود که این کوه خضر یک امتیاز دارد از سایر کوههایی که در آنجا هستند، زیرا که در بالای آن مسجد کوچکی ساخته اند، و بقعه دیگر هم ساخته اند، و عمل قدمای اهل قم کشف از آن کند که یک نوع امتیاز و شرافتی دارد از سایر کوههای دیگر.

و مطلب دیگر آنکه: از قدیم رسم بوده تا به حال، که مردم اهل قم بسیاری از آنها می روند در بالای آن کوه، و از بعضی شنیده ایم که آن را کوه خضر می گویند، به سبب آنکه حضرت خضر پیغمبر علیه السلام را در بالای آن دیده اند.

کسی نذر کرده بود که (اگر) خداوند عالم حاجتش را بر آورد، برای آن

۱- درخشندگی این کوه بویژه در شبهای تاریک فوق العاده است.

کوه پله بسازد، که مردم به آسانی بالا بروند. حاجتش برآورده شد و پله‌ها را ساخت.

و خود این حقیر یاد دارم بعد از ساختن پله‌ها رفتم در بالای آن، و مشاهده مسجد و بقعه را نمودم.

پس از این مطالب می‌توان استظهار نمود که مراد حضرت امیر علیہ السلام از کوه سفید کوه خضر باشد.

این بود متن روایت و تفسیر آن و مشاهداتی که مرحوم مؤلف در بیش از یکصد سال قبل خود از نزدیک به زیارت این کوه رفته و تقدس آن را تشریح فرموده.

و نیز در کتاب تاریخ قم تألیف محمدحسین ناصرالشریعه صفحه ۵۴ آمده است:

و اینکه فرموده‌اند «رأیت ویرا بر کوه سفید زنند به نزدیک دهی کهن که در جنب مسجد است و قصری که قصر مجوس است و آن ده جمران خوانند» شاید مراد از این کوه سفید همین کوهی است که مشهور به کوه خضر است، والله اعلم.

۲ - تحقیقی در منابع این حدیث

چنانکه ملاحظه فرمودید سند اصلی این روایت را صاحب کتاب انوارالمشعشعین از کتاب خلاصة البلدان و آن کتاب به نقل از کتاب مونس الحزین آورده است، که لازم است چند نکته مورد دقت و بررسی قرار گیرد.

نکته اول: در رابطه با خود مؤلف انوارالمشعشعین:

چنانکه قبلاً ذکر گردید، مرحوم حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی از ایشان بعنوان «المورخ الثقة الامین» نامبرده، مضافاً در پیشگفتار کتاب مذکور که با تحقیق دانشمند محترم حجة الاسلام جناب آقای انصاری قمی و سرپرستی و تولیت کتابخانه موصوف تدوین گردیده در اهمیت این کتاب چنین آمده است.

این کتاب اثر ارزشمند مورخ قم محمد علی بن حسین بن بهاء الدین نائینی اردستانی کچوئی قمی که طی پنج سال یعنی از سنه ۱۳۲۵ هـ ق تا سال ۱۳۳۰ به آماده سازی و نوشتن آن مشغول بوده، و توانست سه جلد کتاب گرانسنگ در باره تاریخ جامع قم ارائه نماید، کتابی که می توان آن را جامعترین کتاب در موضوع قم شناسی تاریخی بشمار آورد. نویسنده با کمک گرفتن از دهها منبع تاریخی - رجالی - جغرافیایی و جز اینها توانست مجموعه کم نظیری ارائه نماید. بررسی کتاب نشان از آگاهیهای تاریخی و رجالی وسیع مؤلف دارد، او در جای جای کتاب و به هر مناسبت با اظهار نظرها و توضیحات و استدراکات و تصحیهای تاریخی خود به موضوعات مطرح شده غنا بخشیده است. تحلیل برخی موضوعات تاریخی مبهم با بقعه های ناشناخته یا ربط سلسله های بریده انساب، و با تحدید موقعیت جغرافیایی روستاها و

اماکن تغییر نام یافته، و یا پی‌گیری شاخه‌های بریده خاندانهای قبی و یا علویان مهاجر و ساکن قم و ربط دادن آنها به یکدیگر و این که راوی داماد یا خواهرزاده یا برادرزاده یا نوه و یا نیای پدری یا مادری فلان راوی و محدث یا فقیه مشهور است، و بدین وسیله انساب و خواستگاه بسیاری از راویان مجهول و آنانی که خواستگاه و خاندان و تیره آنان نامعلوم می‌باشد مشخص و معین نموده‌است، و جز اینها از تحقیقات که هر کدام به موقع خود کارگشا بوده، و گره‌کوری را برای محقق می‌گشاید.

این نکته اول در رابطه با شخصیت مؤلف .

نکته دوم: در مورد اثر تألیف یافته:

کتاب «انوارالمشعشعین» در سه جلد تنظیم گردیده‌است، و مؤلف برای هر جلد، نام جداگانه‌ای را متناسب با محتوا و موضوع آن گذاشته‌است، که این نامها عبارتند از:

جلد نخست: انوارالمشعشعین فی شرافة قم و القمیین: مؤلف این جلد را به طور کلی به تاریخ کهن قم اختصاص داده‌است، بدین گونه که ترجمه کتاب «تاریخ قم» نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی تألیف سنه ۳۷۸ هـ ق که قدیمی‌ترین منبع شناخته شده در رابطه با تاریخ قم است را الگوی خود قرار داده، و بر طبق آن سیر تاریخی بنیان و پدید آمدن شهر قم را از هنگام ورود اشعریان به دشت قم و وقایع پیرامون آن را تا استقرار نهائی آنان در این سرزمین و دیگر وقایع مرتبط با شهر شدن و جغرافیای شهر و حومه آن تا قرن چهارم هجری آورده‌است. آنگاه خود به تکمیل مطالب تاریخی با استفاده از منابع متأخر پرداخته‌است. جلد نخست «انوارالمشعشعین» در سال ۱۳۲۷ هـ ق، یعنی دو سال پس از تدوین، در

۲۴۲ صفحه در تهران به شیوه چاپ سنگی به چاپ رسید، و امروز نسخه‌های آن نایاب و در حکم نسخه‌های خطی است. در این تحقیق از این چاپ استفاده گردید. در آغاز و انجام چاپ سنگی نام چند تن که در چاپ و نشر جلد نخست «انوارالمشعشعین» همت داشته‌اند آمده‌است، که مناسب است برای تقدیر از خدمات آنان نامی از آنها برده شود، اینان عبارتند از: اقل المحصلین الحاج شیخ احمد شیرازی کتاب فروش که به اهتمام او کتاب به چاپ سنگی رسید. احمد بن محمد الهزار جریبی کاتب نسخه در شهر ربیع الموعود سنة ۱۳۲۷ هـ. ق. میرزا محمد علی بن محمد رضا الهی که در توصیف او آمده‌است: «ولقد بالغ وعاون جهد فی تألیف هذا المختصر، جناب مستطاب معارف آداب، قدسی صفات.....».

نکته سوم: در منابع کتاب:

مؤلف در آغاز کتاب منابع خود را یادآوری کرده‌است که عبارتند از:

«بحارالانوار، بحرالجمهر، بدرمشع میرزای نوری، تحفه الزائر، تفسیر صافی، خلاصة البلدان صفی الدین محمد رضوی قمی، دارالسلام، رجال میرزا محمد استرآبادی، عمدة الطالب، مجالس المؤمنین، مناقب ابن شهر آشوب، مهج الدعوت، ناسخ التواریخ، نجم الثاقب، نقد الرجال تفرشی، نورالانوار».

لیکن مهمترین منبع مورد استفاده نویسنده در جلد اول همان کتاب «تاریخ قم» می‌باشد که تقریباً بخشهای مهمی از باب اول و چهارم و پنجم آن را آورده‌است. ارزش این اقتباس بدین خاطر است که کتاب چاپ شده «تاریخ قم» دارای اشکالات و افتادگی و سقطها و کمبودهایی است که عمده ناشی از مغلوط بودن نسخه و اشتباهات ناسخان نسخه‌ها می‌باشد، که بخشی از آنها را به توسط نقل «انوارالمشعشعین» می‌توان

برطرف نمود. به گفته مؤلف، وی سه یا چهار نسخه خطی از این تاریخ در اختیار داشته و از آنها در نوشتن کتاب خود استفاده می کرده است. از این رو در بسیاری از مطالب و موارد اختلافی کتاب به اختلاف نسخه های «تاریخ قم» اشاره کرده و از میان آنها عبارت را تصحیح نموده است.

ارزش کار مؤلف بویژه در باب ضبط نامها و جایگاه آشکار می گردد.

از این رو نسخه های مؤلف «انوارالمشعشعین» می تواند ره گشای تحقیق جدیدی از کتاب «تاریخ قم» گردد.

برخی از علماء و نویسندگان معاصر همین روایت منقول در انوار را در کتاب خود نقل کرده و مورد تأیید قرار داده اند که از آن جمله است

۱ - کتاب حضرت معصومه فاطمه (س) تألیف آیت الله محمد محمدی اشتهاردی صفحه ۱۹۶.

۲ - کتاب کریمه اهل بیت علیهم السلام تألیف دانشمند محترم علی اکبر مهدی پور.

۳ - کتاب مسجد مقدس جمکران از حجة الاسلام والمسلمین سید جعفر میر عظیمی صفحه ۲۰ و ۵۹.

۴ - کتاب آئینه اسرار از حجة الاسلام حسینی کریمی قمی صفحه ۴۸.

بنابر این با این توضیحات به نظر می رسد که با توجه به منابع و مدارک موجود و در دسترس مربوط به این حدیث شریف، دیگر نمی توان در اصل وجود این روایت انکار و تردید کرد.

اما اینکه آیا مؤلف انوارالمشعشعین منبع قبلی این روایت را از کجا نقل کرده است؟ در این مورد نقطه نظرات مختلفی وجود دارد که خلاصه تحقیقات نگارنده

به شرح ذیل به استحضار می‌رساند.

کتاب خلاصة البلدان:

چنانکه گذشت در نور مشعشع سؤم کتاب انوار، منبع این حدیث را کتاب (خلاصة البلدان) نام برده که این کتاب نیز منبع حدیث را مونس الحزین نقل کرده. مزید استحضار خوانندگان محترم لازم است در مورد کتاب فوق‌الذکر نیز چند نکته یادآوری گردد.

۱ - کتاب ارزشمند خلاصة البلدان از تألیفات محدث و مورخ عظیم الشأن مرحوم صفی‌الدین محمد بن محمد بن هاشم حسینی رضوی قمی است که در سنه ۱۰۷۹ هـ ق (۳۴۴ سال قبل) درباره فضیلت شهر قم تألیف گردیده، ایشان از نواده‌های قاضی احمد قمی مورخ و تذکره‌نگار مشهور قرن دهم و مؤلف کتاب خلاصة التواریخ و گلستان هنر می‌باشند.

۲ - اگر چه فعلاً متأسفانه از نسخه اصلی کتاب خلاصة البلدان اثری در دست نیست، اما بهر حال در آن زمان نسخه‌ای از آن در اختیار مؤلف انوارالمشعشعین بوده است که منبع نقل این خبر گردیده. چنانکه وی به هشت باب از ترجمه تاریخ قم دست یافته‌است و حال آنکه علامه مجلسی، با آنهمه امکانات تنهابه پنج باب از ترجمه کتاب دسته‌یافته‌است و در حال حاضر نیز بیش از همان پنج باب موجود نیست، (۱)

۳ - کتاب تاریخ قم و زندگانی حضرت معصومه (س) از تألیفات دانشمند فقید مرحوم محمد حسین ناصرالشریعه می‌باشد. این کتاب قریب شصت سال قبل تألیف گردیده و در مردادماه ۱۳۵۰ با مقدمه و تعلیقات و اضافاتی که توسط

دانشمند فرهیخته و مورخ معروف معاصر جناب آقای حاج شیخ علی دوانی اصلاح گردیده به همت انتشارات دارالفکر قم تجدید چاپ شده در صفحه ۵۲ کتاب مذکور عین همان روایت مولا علی علیه السلام را خطاب به ابن یمانی به نقل از کتاب خلاصة البلدان نقل کرده و او از کتاب مونس الحزین بی آنکه متعرض کتاب انوار شده باشد یعنی این کتاب تاریخ قم حدیث مذکور را مستقیماً از خلاصة البلدان گرفته و در پایان حدیث در صفحه ۵۴ متذکر گردیده که مراد از این کوه سفید که در روایت آمده همین کوهی است که مشهور است به کوه خضر والله اعلم

۴ - قسمتهائی از کتاب خلاصة البلدان در سال ۱۳۹۶ هـ ق با کوشش آقای مدرسی در چاپخانه حکمت قم تجدید چاپ شده است، اگر چه متأسفانه در این اثر از حدیث مسجد جمکران و همچنین حدیث کوه سفید جمکران ذکری بمیان نیامده ولی در نسخ دیگر، محدثین بزرگ این حدیث را از خلاصة البلدان نقل کرده‌اند. (۱)

۵ - بنابر آنچه که آقای مدرسی طباطبائی نوشته‌اند، نسخه اصلی این اثر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بشماره ۴۶۴۵ موجود است. آقای مدرسی طباطبائی با استفاده از این فیلم و نیز با مراجعه به کتابخانه موزه بریتانیا در ماه رمضان ۱۳۹۵ به قسمتهای عمده‌ای از یک نسخه از این کتاب دست یافته است که نویسنده کتاب آئینه اسرار در باره آن می‌نویسد:

کتاب «خلاصة البلدان» به سعی فاضل معاصر جناب آقای سید حسین مدرسی طباطبائی - دوست قدیمی نگارنده - در سال

۱۳۹۶ قمری به چاپ رسیده است، وی به دو نسخه خطی ناقص از این کتاب دست یافته که فاقد خبر مسجد و خبر پسر یانی است، از ایشان امید بود که با تتبع بیشتر به نسخه کامل دست می یافت و در نتیجه، خدمت بیشتری را ارائه می داد.

۶ - در شماره های ۷ و ۸ سال دوم و شماره های ۳ و ۴ سال سوم مجله گوهر مطالبی از این کتاب توسط آقای محیط طباطبائی نقل گردیده که معلوم می شود، ایشان نیز به نسخه ای از این کتاب دست یافته است.

۷ - با توجه به مطالعه مجموعه مدارک و اسناد فوق الذکر معلوم می شود که این کتاب نسخه های دیگری نیز داشته است که فعلاً در دسترس نیست و شایسته است محققین و دانشمندان، بویژه در این رابطه تلاش گسترده تری را مبذول فرمایند و چنانچه اثری از این کتاب سراغ داشتند، بذل مساعدت فرموده و این اداره کل را نیز مطلع فرمایند

کتاب مونس الحزین

اما در رابطه با کتاب «مونس الحزین فی معرفة الحق والیقین» که این حدیث از آن نقل گردیده، در اینکه مؤلف این کتاب کیست؟ چند قول وجود دارد:

قول اول: بنا به نقل اکثر محققین این کتاب از تألیفات شیخ صدوق است که به چند منبع آن اشاره می گردد:

الف) در جلد اول کتاب انوار المشعشعین صفحه ۴۵۳ چنانکه قبلاً ذکر گردید مؤلف محترم صراحتاً می فرماید که: «کتاب مونس الحزین از تألیفات شیخ صدوق رحمه الله علیه می باشد، معلوم است که معتبر است».

ب) کتاب تاریخ قم و زندگانی حضرت معصومه (س) صفحه ۵۲ چنانکه قبلاً ذکر گردید.

ج) در کتاب مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان که اثر حضرت حجة الاسلام جناب آقای حاج سید جعفر عظیمی دامت توفیقاته می باشد و در سال ۱۳۷۸ بچاپ رسیده، در صفحه ۶ و ۱۹ دو بار این حدیث به نقل از مونس الحزین شیخ صدوق نقل شده و در صفحه ۳۸ از قول حضرات آیات عظام حاج شیخ مرتضی حائری و بروجردی و در صفحه ۴۶ به نقل از حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی و همچنین در صفحه ۵۹ به نقل از آیت الله علوی گرگانی وقوع جریان مسجد مقدس جمکران در زمان شیخ صدوق تأیید شده است که بنا به تحقیقات معموله منبع آن همان کتاب مونس الحزین است.

گرچه مرحوم آیت الله نجفی اضافه فرموده اند که حقیر، نسخه مونس الحزین شیخ صدوق رحمه الله علیه رانیده ام ولی مرحوم آقای حاج میرزا حسین نوری استاد، استاد حقیر از آن کتاب نقل می فرمایند.

قول دوم: برخی معتقدند که این کتاب از تألیفات محدث خبیر فتال نيسابوری است که در قرن ششم می زیسته است. و این موضوع در منابع ذیل قابل مطالعه است.

الف) ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب متوفای سنه ۵۸۵ هـ ق در کتاب مناقب آل ابیطالب جلد ۴ صفحه ۱۲ چاپ دارالاضواء بیروت نقل کرده که مونس الحزین از تألیفات محمد بن الحسن بن علی بن احمد بن علی الفتال النيسابوری الفارسی، ابو علی مفسر واعظ می باشد.

ب) کتاب تسلیه المجالس و زینت المجالس که از تألیفات السید الادیب محمد بن ابیطالب الحسینی الموسوی الحائری الکرکی می باشد و ایشان از دانشمندان و علمای قرن دهم است. کتاب ایشان اخیراً توسط بنیاد معارف اسلامی قم به چاپ رسیده است. در جلد دوم این کتاب، صفحه ۱۳ باز همان

روایت منقول از ابن شهر آشوب به نقل از کتاب «مونس الحزین» محمدالفتال النیسابوری ذکر گردیده است.

(ج) علامه مجلسی متوفای ۱۳۱۱ هـ ق در باب ۱۵ کتاب بحارالانوار جلد ۴۳ صفحه ۳۲۷ چاپ بیروت بمناسبت معجزات امام حسن مجتبی علیه السلام حدیثی را به این عبارت نقل می کند. «محمدالفتال نیشابوری فی مونس الحزین بالاسناد، عن عیسی بن الحسن...» از این عبارت معلوم می شود که به نظر مرحوم مجلسی نیز کتاب مونس الحزین از تألیفات محمد فتال بوده است.

(د) مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب شریف فوائدالرضویه صفحه ۴۶۹ می نویسد:

«محمد بن الحسن بن علی بن احمد بن علی ابوعلی الشیخ الشهید السعید العالم النبیل الحافظ الواعظ الفارسی النیشابوری معروف بفتال و ابن الفارسی سقی الله ثراه و جعل الجنة مثواه. صاحب کتاب روضة الواعظین و کتاب التنویر فی التفسیر است و او از مشایخ ابن شهر آشوب است و ابن داود گفته که ابوالمحاسن عبدالرزاق رئیس نیشابوری ملقب بشه الاسلام. این بزرگوار را شهید کردند و در روضات گفته که سبب ملقب شدن این مرد را بفتال درجائی نیافتم و گویا بواسطه طلاق لسان او در مقام موعظه و تذکیر و رشاقت بیان او را فتال گفته اند».

(ه) حدیث مسجد جمکران نیز به شرحی که مرحوم حاجی نوری و دیگران مرقوم داشته اند، «منقول از همان کتاب «مونس الحزین» ابوعلی شهید سعید محمد بن حسن فتال نیشابوری است» (۱) بنابر این اقوال انتساب کتاب مونس الحزین به شیخ صدوق اشتباه است.

قول سوم: حجة الاسلام حاج شيخ حسين كريمي قمي در كتاب ارزشمند آئینه اسرار در جمع بين اين دو نقل، تحليل فرموده اند که:

«بنظر می رسد که کتاب مونس الحزین فتال در حاشیه بعضی نسخ تاریخ قم مرقوم بوده است، و بمرور زمان به اشتباه در متن کتاب داخل گردیده است، و ممکن است مؤلف کتاب مونس الحزین با سندی که در اختیار داشته است آن را از مرحوم صدوق نقل کرده باشد، و این بهترین توجیه است در این مقام». (۱)

و جالب است که معظم له در کتاب مذکور دست یافتن به این راه جمع بین دو نقل را از برکات مسجد مقدس جمکران و توسل به حضرت صاحب الامر می دانند که متوجه شده اند مؤلف کتاب مونس الحزین فتال نیشاپوری است. (۲)

قول چهارم: برخی دیگر از علماء منبع این خبر را کتاب تاریخ قم حسن بن محمد نقل کرده اند که او از مونس الحزین نقل کرده است.

علامه طبرسی در صفحه ۵۱ جلد دوم کتاب ارزشمند و معتبر النجم الثاقب آورده است: «الشيخ الفاضل حسن بن محمد بن حسن القمي المعاصر للصدوق في (تاريخ قم) عن كتاب (مونس الحزین في معرفت الحق والیقین) من مصنفات الشيخ ابي جعفر محمد بن بابويه القمي».

که اصل سند حدیث (ابن یمانی) در کتاب تاریخ قم آمده است که مؤلف آن هم عصر با شیخ صدوق بوده است.

نتیجه اینکه با توجه به مجموعه اقوال و مدارک اجمالاً این اطمینان حاصل می گردد که بهر حال نمی توان حدیث مذکور را غیر معتبر دانست.

۱ - کتاب آئینه اسرار صفحه ۳۰.

۲ - ونیز نگاه کنید به فوائد رضویه مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) جلد ۲ صفحه ۴۶۹.

۳ - مسجد کوه خضر نبی علیه السلام در کتاب تاریخ دارالایمان قم

در کتاب تاریخ دارالایمان قم که حدود ۱۲۷ سال قبل توسط آقای محمدتقی بیگ ارباب نوشته شده است و اخیراً در سه فصل تنظیم و چاپ گردیده در هر سه فصل بمناسبت‌های مختلف از مسجد و کوه خضر نام برده است در فصل اول در باب هیجدهم کتاب در توصیف مسجد کوه خضر علیه السلام چنین نوشته است:

«دیگر از کوه‌های معروف کوه خضر است که در یک فرسخی قم است. کوه بی‌آبی است. در بایرهای آنجا معدن مس است لیکن بیشتر از خرج برداشت نمیشود به این واسطه کسی در آنجا کار نمیکند. در حوالی او قریه خرابی است که مسگران مشهور است. در سر کوه خضر دو مسجد از آجر ساخته‌اند که قدمگاه خضر است. در آنجا آن حضرت را مکرر دیده‌اند و دو مسجد ساخته‌اند. رفتن بالای کوه صعوبتی دارد».

در فصل دوم که ده سال بعد بنام کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم در تاریخ ششم صفرالمظفر سنه ۱۳۰۵ نگاشته شده در صفحه ۱۱۶ در توصیف مسجد کوه خضر چنین می‌نویسد:

«کوه خضر: قبله شهر قم است در بالای او مسجدی یعنی نمازخانه‌هایی ساخته‌اند که حضرت خضر را در آنجا دیده‌اند. مسجد مختصر خوبی است در دامنه آن کوه قریه مخروبه مسگران است که از تلال آنجا مس بیرون می‌آورند. می‌گویند هر چه خرج بیرون آوردن مس می‌شده یک عشر کمتر عاید می‌شده است به واسطه نقصان یک عشر آن معدن متروک افتاده است.

تقریباً از شهر تا کوه یک فرسنگ می‌شود. در بین راه آسیابی است و از اول دامنه تا قلعه کوه پلکانهای سنگی که از خود کوه است ترتیب داده‌اند که باید پیاده از آن پله‌ها بالا رفت، نمی‌شود سواره بدان جا

رفت. حتماً باید به قدر سیصد پله را بالا رفت. از سایر کوه‌های مذکور بلندتر است که لامحاله ارتفاع این کوه چهار مساوی آنهاست. در بالای کوه چشم‌انداز خوبی است مثل قله البرز و تل هرز طهران، دهات و شهر قم نمایان است. در بالای قله حیاط سنگی و اطاقی و دو ایوان و یک مسجد محراب داری است. مخصوصاً یک روز در خدمت سرکار والا در آنجا به سر بردیم، بسیار جای باروح و طراوتی است.

دیده‌شدن خضر را در آنجا چیزی از خود نمی‌گوییم اما الحق بالای آن کوه جای مرتاضین و کسانی است که از خلق می‌خواهند کناره کنند و کامل شوند. از آثار چنین معلوم می‌شود که در هر عصری یکی از اولیاء چندی در آنجا به سر برده‌است. در بهار محل تماشای مردم قم آنجا است به خصوص در روز سیزده عید. تمام این کوه از سنگ است. چند دره مهیبی دارد. در روبروی مسجد هم نمازخانه و معبد کوچکی است که از سنگ بنا شده است» (۱).

و در صفحه ۱۸۹ بخش آخر کتاب تحت عنوان تفصیل حالات و املاک قم می‌نویسد:

«کوه خضر: مابین جنوب و مشرق این شهر واقع است. در بالای آن کوه عمارت مسجد چهار صفه درست کرده‌اند که خیلی با صفاست. در طرف دیگر اطاقی ساخته در میان آن اطاق از پارچه سنگی جای یک پای بیرون آورده حجاری کرده‌اند. اهالی قم از زن و مرد در ایام عید بدان کوه می‌روند».

۱ - همین مطالب عیناً در صفحه ۱۱۶ کتاب راهنمای جغرافیای تاریخی قم تألیف آقای مدرسی طباطبائی نیز آمده است.

۴ - مسجد کوه خضر نبی علیه السلام در دوره قاجار

کتاب قم نامه مجموعاً هفت رساله است که در سالهای ۱۲۹۶ هـ ق به بعد نگارش یافته و در مهر ماه ۱۳۵۶ توسط آقای حسین مدرسی طباطبائی تحت عنوان قم نامه تنظیم و تجدید چاپ گردیده است. در صفحه ۱۲۴ قم نامه چنین آمده است:

«جبل خضر علیه السلام در بالای آن مسجدی ساخته اند که در آنجا حضرت خضر را دیده اند. گیاه و آب ندارد. در دامنه کوه دهی بوده مشهور به مسگران، بایرهای قرمز دارد و از آنجا مس به عمل می آمده است لیکن به قدر مخارج نبوده است به این جهت کار آنجا را موقوف کرده، قریه خراب شده است.»

۵ - مسجد کوه خضر در کتاب افضل الملك کرمانی

افضل الملك میرزا غلامحسین خان ادیب مستوفی دیوان زندی شیرازی متخلص به المعی که از ادیبان و منشیان صاحب اثر دوره قاجار و از اعضای دارالتألیف ناصری بود در ماه صفر ۱۳۰۴ رساله ای به نام کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم تألیف کرده است.

این کتاب توسط آقای مدرسی طباطبائی منقح و در سنه ۱۳۹۶ هـ ق بوسیله انتشارات وحید بنام تاریخ و جغرافیای قم به چاپ رسیده است.

مؤلف در صفحه ۶۳ کتاب می نویسد:

«از جائیکه در بیرون شهر و نزدیک بدروازه است کوه خضر است. در بالای کوه صحن کوچک و رواق و اطاق و بقعه ایست، و نزدیک همان صحن در بالای کوه یک چار طاقی است که معروف بمکان خضر است.

همیشه در آنجا اوتاد و اقطاب و مردم حقیقی تا چندی منزل کرده و اعتزال جسته‌اند. از آن جمله مشهدی کریم ترک است که در همین سه چهار سال قبل در آنجا بوده و بمردم اعتنائی نداشته و از او کرامات و صفای باطن و ظاهر دیده شده است و هیچ محل انکار نیست و چندی است که از اینجا بزیارت بقاع شریفه رفته و نویسندہ را کنون اطلاعی نیست که آن سالک ممتاز در قید حیات است یا در دارالنجات. شرح حالات و عادات آن عارف بیش از این است که در اینجا نگاشته شود دفتری جداگانه می‌خواهد.

این سلسله کوه خضر چندان ارتفاع زیاد از اندازه ندارد ولی در سرقله که آدمی میرسد بیک شکل مخصوص و طرز مہیبی آن کوه دیده میشود کہ آدمی بحیرت می‌افتد. سنگهای تیزی دارد. خیلی ناهمواری و فراز و نشیب دارد. گویند در این کوه جانور درنده دیده شده است بالای کوه آب روان و درخت نیست تمام سنگ خاره است و راه رفتن ببالای کوه خیلی ناهموار است.

کوه خضر قبله قم است در فوق آن مسجد مختصر خوبی ساخته‌اند کہ همان اطاق جنب بقعه است. در زیر دامنه آن کوه قریه مغروبه مسگران است کہ حالا رعیت و سکنه ندارد. روزها رعایا و مالکین از شهر بیرون آمده در مسگران زراعت می‌کنند. از تلال مسگران مس بیرون می‌آورند».

و نیز در صفحه ۲۲۰ کتاب مذکور چنین آمده است:

«کوه خضر علیہ السلام در طرف قبله شهر قم است. در بالای آن مسجدی

ساخته‌اند که بنا بقول اهالی قم حضرت خضر علیه السلام را در آنجا دیده‌اند، لذا به یادگار رؤیت او این مسجد مختصر رادر بالای کوه ساخته‌اند که ایوان کوچک و رواق و اتاقی دارد. در واقع از برای مسافرین یک سایبان و محل راحتی است.

در دامنه آن کوه قریه مخروبه مسگران است که از قتل آنجا مس بیرون می‌آوردند.

میگویند از آنچه خرج مس بیرون آورده می‌شده یک عشر کمتر عاید می‌شده بواسطه کسر مداخل متروک افتاده‌است و در معدن آن کار نمی‌کنند».

۶ - مسجد کوه خضر در کتاب تربت پاکان

این کتاب محصول آثار و زحمات و تحقیقات آقای سید حسین مدرسی طباطبائی است که در دو مجلد در رابطه بناها و آثار قدیم و اماکن متبرکه قم تنظیم گردیده و در سال ۱۳۹۵ هـ ق به زیور طبع آراسته شده‌است. که در این سالهای آخر کمتر اثری به این شیوه تحقیق در مورد قم نگاشته شده‌است در صفحه ۱۶۳ جلد دوم کتاب مذکور در رابطه با مسجد کوه خضر چنین آمده‌است

«در چند کیلومتری جنوب قم کوهی ست بنام کوه خضر علیه السلام که بالای آن قدمگاه و مسجدی ساخته‌اند و در نزدیک این دو نیز چهار طاقی است که گویا در روزگاران پیش عارفی در آن بسر می‌برده.

این قدمگاه و مسجد چند صد سالی است قدمت دارد و در کتاب و رسائلی که در دوره قاجار برای قم نوشته شده از آن یاد آمده‌است».

۷ - مسجد کوه خضر در کتاب آئینه اسرار

حضرت حجة الاسلام والمسلمین کریمی قمی در صفحه ۵۰ از کتاب آئینه اسرار نگاشته اند که:

«عصر روز سه شنبه نهم شهریور ۱۳۷۸ شمسی، مطابق با پانزدهم جمادی الثانی ۱۴۲۰ قمری، ابتدا با بعضی از دوستان از کوه خضر دیدن نمودم. این کوه حدفاصل بین قم و جهمکران است و حدود سه کیلومتر با جهمکران فاصله دارد.....»

از پایین که نگاه شود چندان مرتفع نیست، ولی از بالای آن بسیار مهیب و مرتفع به نظر می رسد، وقتی از بالا به پائین نگاه شود گویا از هواپیا به زمین نگاه می شود. آن چنان حیرت آور و وحشت انگیز است که پایین آمدن را بر انسان دشوار می سازد.

وجه تسمیه این کوه به خضر این است که می گویند: در اینجا حضرت خضر دیده شده است، نوشته اند که از قدیم اوتاد و اقطاب در آن کوه به اعتزال به سر می بردند.

در بالای کوه مسجد کوچکی است، دارای محراب و جالب توجه. نگارنده نماز مغرب را در آنجا خواندم، صاحب کتاب انوار المشعشعین که در سال ۱۳۰۲ قمری به تدوین آن کتاب اشتغال داشته است می گوید: شخصی نذر کرد که هرگاه حاجتش روا شود برای بالا رفتن به آن کوه پله بسازد، چون حاجت روا شد سیصد پله برای آن کوه درست کرد.

ولی در حال حاضر، جاده را بصورت مارپیچ درست کرده اند و

انسان به آسانی می تواند بالا رود. قلّه کوه را هم تسطیح نموده اند، به طوری که جمع زیادی می توانند در بالای کوه اجتماع کنند. از قرار مسموع در سال گذشته، بعضی از ارگانهای دولتی در آنجا مراسم خواندن دعای عرفه را پیاپی داشتند. (۱) در هر حال این کوه حیرت افزا و دیدنی است. کسی که مکه را دیده و به جبل النور رفته باشد در بالای این کوه به یاد غار حرا می افتد.

در بالای کوه احساس معنویت می شود و تمام شهر و اطراف آن به خوبی دیده می شود. خصوصیات آن کوه قابل توصیف نیست. امکانات عیاشی در آنجا وجود ندارد، لذا هر نوع شایعه مرکزیت آن کوه برای گناه تکذیب می شود.

بعد از ادای فریضه مغرب، راهی مسجد جمکران شدیم، حدود نیم ساعت از شب گذشته بود که وارد شبستان مسجد شدم. به سختی توانستم جایی برای نماز عشاء پیدا کنم.

۸ - مسجد کوه خضر علیه السلام معبد عباد چله نشین

چله نشینی از جمله سنتهای حسنه متداول بین زهاد و عباد و عرفا بوده است که معمولاً در بعضی از شهرهای ایران در مکانهای خاصی انجام می گرفته و هدف از آن تهذیب نفس و خودسازی و ریاضت مشروع بوده که معمولاً در برخی از شهرها انسانهای از خود وارسته بخدا پیوسته، در راستای خودسازی و ریاضت شرعی، علاوه بر رسالتها و مسئولیتهای اجتماعی مکان خلوت و مقدسی را به دور از چشم اغیار برای خود انتخاب می کرده اند، و بعضاً چهل شبانه روز با حداقل

امکانات به ریاضت و عبادت مشغول می شده‌اند. صرف نظر از برداشتهای غلطی که متأسفانه بعضاً در این مسیر نیز قرار گرفته‌اند، اساساً این حرکت، الهام گرفته از چهل روز استقرار پیامبرگرامی اسلام ﷺ در غار حرا و در آغاز بعثت ایشان است، حرکت مقدس و ارزشمندی است چرا که پذیرش مسئولیتهای اجتماعی، سخت محتاج خودسازی و آمادگیهای سلامت اخلاقی و روانی است.

در آیه مبارکه ۱۴۲ سوره اعراف در باره حضرت موسی علیّه السلام آمده است: فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً یعنی: دیدار پروردگارش چهل شب تمام تحقق یافت.

و این چله‌نشینی عموماً در کنار کوههای صعب‌العبور اتفاق افتاده و بر اساس روایتی که در کتب قصص الانبیاء نیسابوری صفحه ۱۹۸ نقل گردیده حضرت خضر در شیار کوه به عبادت مشغول بوده است.

بر این اساس بنا به شواهد و گفتارهای متعدد موثقین، مسجد کوه خضر علیّه السلام بلحاظ سوابق تاریخی و موقعیت جغرافیائی بخصوص با عنایت به چشم‌انداز مسجد مقدس جمکران و گنبد مقدس حضرت معصومه علیها سلام، مجموعاً شرائطی را فراهم نموده است که این مسجد مقدس از قدیم‌الایام مورد نظر عباد و زهاد و اوتاد، در هر زمانی بوده است، بنابه روایاتی این محل مأمن بزرگانی همچون ملا صدرا فیلسوف و حکیم متأله و مرحوم حاج شیخ مرتضی زاهد قمی برادر مرحوم حاج شیخ عباس قمی خاتم‌المحدثین (ره) بوده است، و در این اواخر مخصوصاً مرحوم حاج شیخ جعفر مجتهدی که از علاقمندان جدی به این مسجد بودند فراوان در آنجا مأوا می‌گرفتند، و می‌توان گفت ایشان آخرین چله‌نشین این مسجد مقدس بوده‌اند که چند سال پیش به رحمت ایزدی پیوسته‌اند، و منزل و مأوایشان بیت مرحوم حاج شیخ عباس قمی بود.

۹ - مسجد کوه خضر در کتاب لاله‌ای از ملکوت

این کتاب در شرح حال عارف معروف، مرحوم حاج شیخ جعفر مجتهدی است که بوسیله آقای حمید سفیدآبیان اخیراً به رشته تحریر درآمده است و در این کتاب کراراً از حضور ایشان در «کوه خضر» نام برده شده است که جهت استحضار قسمتهائی از آن نقل می‌گردد.

مؤلف در صفحه ۱۴۸ کتاب مذکور می‌نویسد:

«استاد محمدعلی مجاهدی حکایت کردند: زمانی که آقای مجتهدی به قم آمده بودند انس عجیبی به کوه خضر و مسجد جمکران داشتند تا اینکه در یکی از سالها تصمیم گرفتند یک اربعین، ده روز قبل از ماه مبارک رمضان تا آخر ماه، در کوه خضر بیتوته کنند.

در آن ایام دوستان آقا کمتر توفیق زیارت ایشان را پیدا می‌کردند مگر افراد نادری چون مرحوم حاج میرزا تقی زرگری که از اوتاد و ابدال و بسیار مورد محبت آقای مجتهدی بودند.

مرحوم حاج میرزا تقی می‌گفتند: یک روز چند نان مخصوص (کسمه) برای آقای مجتهدی تهیه کرده و قبل از افطار به طرف کوه خضر به راه افتادم، در آن موقع جاده قدیم کوه به صورت خاکزیر و مارپیچ بود و بالا رفتن از آن بسیار صعب و دشوار، مخصوصاً برای افراد مسنی چو من.

بعد از اینکه مقدار کمی از راه را طی کردم پاهایم توان خود را از دست داده و اصلاً نمی‌توانستم قدمی بردارم، کمی بر روی زمین نشستم، آنگاه تصمیم گرفتم برگردم، چون راه باقی مانده تا محل بیتوته آقای مجتهدی خیلی بیشتر از راهی بود که طی کرده بودم.

در این فکر بودم که ناگهان شنیدم آقای مجتهدی با صدای بلند فریاد می‌زنند.

آقا میرزا تقی! یا علی بگو، یک یا علی بگو و بالابیا!

با کمال تعجب به اطراف خود نظر کردم ولی کسی را ندیده و مشکوک شدم!!
در این موقع مجدداً صدای آقا بگو شم رسید که فریاد می‌زدند آقا میرزا تقی!
از مولا مدد بگیر، یک یا علی! بگو و بالابیا.

فاصله من با ایشان خیلی زیاد بود ولی مرا باطناً دیده بودند و صدا می‌زدند،
به هر حال بنابر فرمایش ایشان یک یا علی! گفتم که برخیزم، یکمرتبه متوجه
شدم گویا دونفر زیر بغل‌هایم را گرفته‌اند و چند لحظه بیشتر طول نکشید که نزد
ایشان بودم!

سپس ایشان با کمی از همان نان مخصوص افطار کردند و باهم مشغول به
صحبت شدیم، از جمله به ایشان عرض کردم: اینکه می‌گویند ذرات عالم همه
لا اله الا الله می‌گویند، در این موقع هنوز کلام تمام نشده بود که فرمودند: آقا جان
«می‌گویند» خیر، همین الان مشغول به گفتن هستند بشنوید آقا میرزا! هنگامی
که به اطراف نگاه کردم، کوه و سنگ و زمین و آسمان و دشت و دمن همه را
یکپارچه در ذکر لا اله الا الله دیدم که با شنیدن آن طاقت نیاوردم و بیهوش
گشتم».

و نیز در صفحه ۲۲۱ کتاب آمده است که جناب آقای احمد میرزا هاشم‌زاده نقل
کردند:

«جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای سید محمود قریشی که در یاری و
کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست کوشا و از دوستان آقای مجتهدی بودند گفتند:

شبی با آقای مجتهدی در کوه خضر که نزدیک مسجد جمکران است بودیم، ایشان به من فرمودند: آقای قریشی، آیا صدای ذکر کوه را می شنوید؟ عرض کرد که خیر آقا جان، ایشان دست مبارکشان را نزدیک گوشم آورده و من در کمال تعجب و شگفتی صدای لا اله الا الله گفتن کوه را شنیدم!!

بنده تا آن هنگام، ایشان را به این صورت نمی شناختم و از آن به بعد ساعتهای فراغت به منزلشان می رفتم و خدمتگزاری می کردم و از مهمانها و مراجعینی که به آنجا می آمدند پذیرائی می نمودم.

و نیز در صفحه ۲۳۴ کتاب آمده است :

«آقای میرزا ابوالفضل قهوه چی حکایت کرد، در ایامی که آقای مجتهدی در کوه خضر بیتوته کرده بودند به جهت دیدارشان به کوه رفتم، هنوز به ایشان نرسیده بودم که از فاصله دور صدای دلکش ایشان که مشغول توسل و سیر و صفا بودند به گوش می رسید! با شنیدن آن نغمه داوودی سریعتر به طرف بالا حرکت کردم، هرچه نزدیکتر می شدم از آن صدای دلربا زانوهایم سست تر می شد! به طوری که می خواستم همانجا نشسته و فقط صدای زیبای ایشان را بشنوم».

و نیز در صفحه ۳۰۶ کتاب از قول جناب آقای معین نقل شده است که: «مرحوم آقا حسنی برایم نقل کردند: زمانی که آقای مجتهدی در کوه خضر نزدیک مسجد جمکران بیتوته کرده بودند، یک روز با آقای مصطفوی قرار گذاشتیم ناهار را در خدمت آقای مجتهدی بخوریم، لذا ابتدا با ماشین به سمت کوه خضر رفتیم تا از آقا بپرسیم چه غذایی میل دارند که آن را تهیه کنیم و در خدمتشان باشیم.

وقتی به اتاقی که در کوه خضر قرار داشت وارد شدیم، ایشان بی مقدمه فرمودند: امروز همگی ناهار را مهمان حضرت زهراء (س) هستیم و ساکت شدند،

ما هم دیگر حرفی نزده و نشستیم، نزدیک ظهر یکمرتبه رنگ و رخسار آقای مجتهدی برافروخته و قرمز شد و از جا برخاسته و خیلی مؤدب به طرف درب اتاق رفتند و بشقابهایی که در آنها غذا بود گرفتند و به ما دادند!!

معلوم نبود چه کسی به ایشان غذا می‌دهد؟! آنگاه با ادب خاصی تشکر کرده و نزد ما آمدند. بسیار متعجب و بهت زده شده بودیم ولی جرأت حرف زدن نداشتیم!!»

و در صفحه ۳۶۷ باز از قول استاد محمد علی مجاهدی نقل شده است که: «مرحوم آقا ابوالفضل قهوه‌چی پیرمردی متقی و با صفا و اهل توسل بود و از جمله کسانی بشمار می‌رفت که علاقه و ارادت شدیدی به آقای مجتهدی داشت و آقا هم به خاطر پاکدلی و سادگی او شدیداً به او محبت داشتند.

آقا ابوالفضل تعریف می‌کرد در ایام ماه مبارک رمضان که آقای مجتهدی در کوه خضر بیتوته کرده بودند شبی بعد از افطار بخاطر دیدنشان راهی کوه شدم، هنگامی که به ایشان رسیدم دیدم بیرون از محوطه اتاقی که در کوه خضر است نشسته و مشغول نغمه سرائی و سیر و صفا و توسل به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشند، من هم که خیلی عاشق حضرت بودم با دیدن آن حال عجیب و غریب و توسل ایشان به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را صدا می‌کردم. در همین حال یکمرتبه آقای مجتهدی خطاب به من فرمودند: آقا ابوالفضل بس است دیگر! آیا چشمی که بتواند حضرت را ببیند داری؟!»

۱۰ - کوه خضر محل ملاقات ابرار

«ملاقات حضرت آیه الله حاج شیخ محمد تقی بافقی با حضرت مهدی (عج) در دامنه کوه حضرت خضر علیه السلام»

حضرت آیه الله بافقی حدود بیست سال با حکم ظالمانه حکومت رضا شاه در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام اقامت داشت، و شدیداً مورد تأیید و حمایت حضرت امام خمینی بودند. (۱)

ایشان از جمله کسانی است که به افتخار دیدار حضرت مهدی (عج) بارها نائل آمده، در کتاب کرامات الصالحین صفحه ۸۴ نقل کرده که:

آقای اثنی عشری که از ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام هست برای نگارنده نقل کرد.

او به نقل از جناب آقای حاج سید مرتضی ساعت ساز می فرمود که: «یک بار در خدمت حضرت آیه الله حاج شیخ محمد تقی بافقی به مسجد جمکران در قم مشرف شدیم، پس از انجام آداب دعای وارده، من در حال سجده و در میان خواب و بیداری بودم که کسی گفت: (حاج شیخ محمد تقی! بیا که حضرت ولی عصر علیه السلام شما را خواسته است) من سربلند کردم دیدم حاج شیخ محمد تقی حرکت کرد به سوی (کوه خضر) که نزدیک مسجد است، شتافت با دیدگان جستجوگر خویش او را زیر نظر داشتم که دیدم در دامنه کوه با سه نفر که منتظرش بودند به گفتگو پرداخت و پس از گفتگو بازگشت.

از او پرسیدم: آنان که بودند؟ فرمود: یکی از آنها سالارم امام عصر روحی له الفداء (و احتمالاً دیگری حضرت خضر علیه السلام)».

در صفحه ۱۰۳ کتاب مسجد جمکران تجلیگاه صاحب الزمان تحت عنوان از کدام راه به مسجد جمکران می آئی؟ داستان زیبایی را از تشریف یکی از ابرار به نام مرحوم حاجی ابوالقاسم پاینده قمی نقل می کند که ایشان فرموده اند:

«نذر کردند چهل شب به مسجد جمکران مشرف شوند که در شب آخر وقتی به مسجد رفتم و اعمال مسجد و نماز ولی عصر را خواندم ظرف آبی را گرفتم تا بروم از آب انبار نزدیک مسجد آب بیاورم نصف پله ها را رفتم، وسط آنجا چراغ نفتی نصب کرده بودند، یک وقت متوجه شدم آقائی دارد بالا می آید، سلام کردم با محبت جواب داد و از من احوال پرسید کرد مثل کسی که سالهاست با من رفیق و آشناست، فرمودند: مسجد آمدی؟ گفتم: آری، پرسید چند هفته است؟ گفتم: هفته چهارم است، پرسید حاجتی داری؟ گفتم: آری. گفت: برآورده شده؟ گفتم: نه، فرمود از کدام راه می آئی؟ عرض کردم از جاده قدیم (آسیاب لتون) فرمود: بین باغ آقا و آسیاب دو سه پل است شما وقتی از پل اول بالا می روید شیخ محمد تقی بافقی را می بینی که می آید در حالی که عبایش را زیر بغل گذاشته و سنگها را از جاده به کنار می ریزد، این برخورد را به او بگو و سلام مرا به آن برسان و بگو از آنچه ما نزد تو داریم یک مقدار به تو بدهد.

وقت بازگشت من از همان راه که برمی گشتم در همان برخورد به شیخ محمد تقی بافقی یزدی نمودم که عبا را زیر بغل گذاشته، خم می شد سنگها را از جاده کنار می ریخت، چون به او برخورد کردم و جریان را تعریف نمودم و گفتم آقا ترا سلام رسانید، نشست آنقدر گریه کرد، بعد گفت: آقا دگر چه فرمود؟ گفتم فرمود از آنچه که از ما نزد شماست مقداری به من بدهید، کیسه ای در آورد و مقداری پول خورد که داخل کیسه بود کف دست ریخت و چند قرانی به من داد و گفتند

دیگر آقا مطلبی نفرمودند، گفتم نه،» (۱)

سخنان آیه الله بنی فضل

معظم له که یکی از علمای بزرگ و برجسته قم است در یک مسأله که از عنایت حضرت ولی عصر (عج) در مسجد جمکران برخوردار شده اند که خلاصه جریان به زبان خودشان به نقل از آقای سید جعفر میرعظیمی بشرح ذیل است:

در سال ۱۳۴۰ شمسی یک حاجت مهم شرعی داشتم یک شب بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء با یکی از دوستان پیاده به طرف مسجد جمکران رهسپار شدم..... آن شب مسجد جمکران خیلی خلوت بود، غیر از ما، دو نفر دیگری در آنجا بودند، یکی از آن دو نفر را خیلی با حال دیدم، بعد از اقامه نماز مسجد و استغاثه از حضرت نصف شب گذشته بود رفتم پیش آن شخص با حال، سلام کردم، جواب سلام گفتم، بعد از احوال پرسى سؤال کردم اهل کجا هستید؟ خود را معرفی ننمود، گفت من به اینجا و «کوه خضر» می آیم، او تا صبح مشغول نماز و ذکر بود، و اول صبح با صدای بسیار دلنشین اذان گفتم، خلاصه اینکه ما آن شب را بیتوته نمودیم، بعد از نماز صبح راهی قم شدیم و منتظر برآورده شدن حاجت بودم که سه روز بعد همان شخص که حل مشکل ما به دست او بود.... با امتنان و اقدام جدی مشکل مهم را حل می نماید، و حل آن مشکل عنایت خداوند سبحان و توجه حضرت صاحب الامر ارواحنا فدا بود. (مرتضی بنی فضل ۲۰ جماد الثانیه ۱۴۱۵)

خاطره ای از جناب آقای صفر زرنندی

ایشان یکی از کسانی است که در سالهای اخیر علاقه مندی خود را همواره به

۱ - براساس تحقیقات محلی و براساس نقل کتاب انوارالمشعشعین جلد ۱ صفحه ۱۷۷ که این آسیاب را بنام «لتانه» خوانده در قدیم ظاهراً این جاده نزدیکیهای حد فاصل بین کوه خضر و مسجد جمکران قرار داشته است.

مسجد کوه خضر ابراز داشته و لذا رسماً بعنوان یکی از هیئت امناء حکم قانونی توسط اداره کل اوقاف منصوب گردیده است.

نامبرده طی یادداشتی خاطره شیرینی را که در یکی از روزهای زیارتی مسجد کوه خضر مشاهده کرده چنین نقل می‌کند:

من همیشه از تهران هفته‌ای یک یا دو بار برای زیارت حضرت معصومه و خدمت به مکان مقدس مسجد کوه خضر نبی علیّه السلام می‌رفتم و هیچ وقت خاتم همراه من نمی‌آمد، اتفاقاً یک روز اظهار نمود من می‌خواهم به‌همراه شما به قم بیایم و به زیارت مسجد کوه حضرت خضر نبی علیّه السلام برویم به خواست خدا آمد هر دو به طرف قم و به طرف کوه آقا حضرت خضر نبی علیّه السلام به راه افتادیم، کوه آقا حضرت خضر نبی علیّه السلام یک خادم دارد که من همیشه قبل از بالا رفتن از کوه سری هم به ایشان می‌زنم، آن روز هم طبق معمول احوالی از ایشان پرسیدم و وضو گرفتیم و رفتیم بالا. ما نفهمیدیم آن روز کوه را چطور بالا رفتیم به یک چشم به هم زدن ما بالای کوه بودیم. بعد از خواندن نماز متوجه گرفتن هوا شدم، ناگهان دیدم جلو درب حسینه دو نفر بزرگوار ایستاده‌اند که خیلی با شخصیت و با فرهنگ و با چهره‌ای بسیار نورانی و زیبا. یکی از آنها کمی مسن بود، لباس سرمه‌ای و پیراهن سفیدی به تن داشت قد بلند و چهارشانه بسیار باوقار بودند، و یک جوان دیگری در کنار آن بود که در حدود ۲۵ ساله به نظر می‌رسید و لباس مغز پسته‌ای و پیراهن سفید خیلی تمیز و مرتب بر تن داشت. آن دو در کنار هم قدم زنان جلو آمدند من مشغول انتقال مصالح ساختمانی مسجد بودم همسرم کمی کنارترا از

من ایستاده بود و مشغول تماشای دستگاه بالابری بود که من خود با ابتکار خود آن را ساخته‌ام برای بالا بردن مصالح. همسرم گفت که دیدم آن دونفر من را صدا زدند من آمدم سلام و احوالپرسی کردم از من پرسیدند این بالابر، را کی درست کرده؟ خیلی چیز خوبی است و گفتند عجب فکری کرده و من گفتم این را شوهرم ساخته، و موقعی که من با ایشان صحبت می‌کردم احساس عجیب و خاصی داشتم انگار که یک کسی به من می‌گفت که ایشان شخص عادی نیست و تمام بدنم به لرزه درآمده بود قلبم به تپش افتاده بود. و در آن لحظه باران شروع شد، در همان لحظه ایشان را که دیدم سلام کردم شروع به حال و احوال پرسی کردم، از من پرسید که شخصی نذری داشته و نذرش ادا شده و این مسجد را بنا کرده، و ایشان از من پرسیدند شما اینجا مشکلتان چیست من سریعاً عرض کردم که خیلی آرزو دارم هیئت امنای اینجا تشکیل بشود و کوه حضرت خضر نبی علیه السلام آباد بشود و این بالا دارای آب و برق بشود که مردم اینجا تشریف می‌آورند آبی داشته باشند برای وضو گرفتن و دست و صورت شستن و غیره و کلاً برای راحتی مردم. هوا رو به تاریکی می‌رفت با هم حرکت کردیم به طرف پائین آمدن، ایشان جلو افتادند و من پشت سرایشان و همسرم پشت سر من بودند که در حین راه از من سئوالاتی می‌کردند به اتفاق هم به پائین آمدیم و ما آن روز را درست مثل بالارفتن نفهمیدیم که چطور از کوه با سرعت و بدون هیچ زحمتی پائین رسیدیم، و من هم از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجیدم ایشان در بین راه به من دلداری میداد و می‌گفت که خیلی

غصه می خوری؟ غصه نخور انشاء الله درست خواهد شد و من به ایشان عرض کردم که شما در اداره اوقاف آشنائی دارید که برای تشکیل هیئت امناء کاری بکند؟ ایشان فرمودند که تا ببینیم، و من گفتم که شما شماره تلفنی دارید که به من بدهید تا بتوانم با شما تماس بگیرم ایشان گفتند کسی نمی تواند با من تماس بگیرد، و خودم با همه تماس می گیرم، خدا حافظی کردند و رفتند.

من و عیالم آن روز در طول مسیر قم تا تهران تماماً صحبت از کوه خضر و این دو نفر آقای ناشناس داشتیم، وقتی به تهران رسیدیم و من به یکی از آشنایان که دید بصیرت دارد جریان را گفتم که با دو شخص در کوه حضرت خضر نبی علیّه السلام ملاقاتی کردیم و آن بزرگوار به ما قول داد که یک کاری بکند تا این مکان مقدس آباد شود و ایشان لبخند زد و گفت که شما می دانید که در کوه حضرت خضر نبی علیّه السلام با چه شخصی قدم می زدید؟ من در حین بی اطلاعی گفتم نه! فرمودند که ایشان حضرت خضر نبی علیّه السلام بودند و شما خیالتان راحت باشد که این مکان مقدس آباد خواهد شد، بعد از این صحبت گوئی یکباره من بیدار شدم و تأسف خوردم که چرا آقا را ملاقات کردم ولی نشناختم.

ضمناً ناگفته نماند که در این روز آقای دائی هم که از بانیان خیر حسینی کوه خضر علیّه السلام می باشند، همراه دخترشان به ما ملحق شدند و شاهد جریان بودند.

۱۱ - مرحوم حاج شیخ مرتضی زاهد از عاشقان مسجد جمکران و مسجد خضر جناب آقای اسماعیل خوشنویس مدیرکل سابق ثبت اسناد قم که خود یکی از بستگان نزدیک مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی زاهد قمی و از نیروهای شایسته و متعهد می باشند، اخیراً دست نوشته هائی در مورد شخصیت مرحوم حاج شیخ به نگارنده ارائه فرموده که با تشکر از ایشان فشرده ای از آن یادداشتها در اینجا نقل می گردد.

«مرحوم حاج شیخ مرتضی قمی برادر مرحوم حاج شیخ عباس قمی خاتم المحدثین (ره) اهل سیر و سلوک و زهد و تقوی و عبادت و یقین بود ویرا از زهاد زمان و از صاحبان مقامات عالیه می شمردند، ایشان در شهرستان قم از مادری که فرزندان را با وضو و روبرقه شیر می داد متولد شد. مرحوم حاج شیخ در مسجد محل مبارک آباد قم که فعلاً مشهور است به مسجد معصومیه (س) اقامه نماز جماعت می نمود و ساخت مسجد باهتمام ایشان بود. عاشق اهل بیت علیهم السلام بود در امر بمعروف و نهی از منکر سعی وافری داشت، خانواده های فقیر را سرپرستی می کرد. حضرت ایشان چندین بار پیاده به عتبات عالیات و حج مشرف شدند..... مرحوم حاج شیخ مرتضی عاشق مسجد جمکران و «مسجد خضر نبی» بودند ایشان اولین کسی بود که شب های چهارشنبه را جهت رفتن به مسجد جمکران قرار داده و شب را در مسجد جمکران به عبادت مشغول و فردای آن روز جهت عبادت به «مسجد خضر نبی» می رفتند گویا همواره در بین مسجد جمکران و «مسجد خضر نبی» گمگشته خود را جستجو می کردند. از انفس قدسیه ایشان بود که برادرش مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) دچار مریضی سختی شد و بدعای ایشان شفا یافت و ایشان یکی از کسانی است که از برکات حضرت ولی عصر (عج) در مسجد جمکران برخوردار شده است».

در صفحه ۹۲ کتاب مسجد جمکران تجلیگاه صاحب الزمان و صفحه ۴۴ کتاب آئینه اسرار در مورد ایشان نوشته اند که آقای حاج عبدالله بیگدلی فرمودند:

«در ۵۰ سال قبل روزی از روزها محضر مرحوم حاج شیخ مرتضی محدث اخوی محترم مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ عباس محدث قمی انتظار درس حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رحمت الله علیه داشتیم، آقای حاج شیخ مرتضی فرمودند: دخترم سکینه بزرگ شده بود، مادرش به من اصرار می کرد جهیزیه برای ایشان تهیه کنم، گفتم خانم به من خیلی اصرار نکن،.....»

روزی از روزها به من گفتند موقع ازدواج سکینه است، من هم همان شب به مسجد مقدس جمکران رفتم و نماز و دعاء صاحب الزمان خواندم و صبح برگشتم تا وارد خانه شدم، دیدم مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج صدرالدین در منزل با یک طلبه ای نشسته اند، فرمودند آقای حاج شیخ کجا هستید؟ صبح تا به حال صدرالدین منتظر شماست.

گفتم در مسجد جمکران بودم... فرمودند: من این آقا شیخ را آورده ام دختر شما را به عقد ایشان در بیاورم، اجازه می دهید عقد بخوانم؟ هفته آینده هم می برند، و هرچه خرج دارد به عهده اینجانب باشد و ایشان هم قبول کردند.

مرحوم حاج شیخ مرتضی عاشق حضرت مهدی علیّه السلام بود او این کمالات و کرامات را از برکت عبادت در مسجد جمکران و مسجد خضر نبی می دانست خدایش رحمت کند، ایشان در سال ۱۳۲۱ هجری شمسی در شهرستان قم وفات یافت». (۱)

۱ - وقابل توجه است که اخیراً حضرت آیت الله محدث زاده فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس قمی وقفیت پلاک ۲۷۲ کوه خضر را گواهی فرموده اند.

۱۲ - قصه‌ای که نگارنده خود شنیده‌ام

در سال ۱۳۷۹ که اینجانب مسئولیت معاونت اجرایی مسجد مقدس جمکران را بعهدہ داشتم. روزی انسان شایسته و با صداقت مسنی که متأسفانه نام و نشانی او را نگرفتم برایم نقل کرد:

«که من در دورہ نوجوانی بہمراہ یکی از بستگان ہم سن و سال خود با دوچرخہ روزی بہ مسجد کوه خضر نبی علیه السلام آمدم، و از آنجا بہ قصد زیارت بہ طرف جمکران حرکت کردیم، در مسیر راہ بین مزارع کنار جوی آبی نشستیم کہ ناگاہ متوجہ شدیم انسان والائی کہ دارای عبا و عمامہ مخصوصی بود در آن طرف نہر ایستادہ است،.... پرسید کہ در کوه خضر و جمکران شما بدنبال چہ هستید؟ گفتیم، جوانیم و جویای کار، بہ من فرمود چند روزی طول نمیکشد کہ مشکل اشتغال شما حل می‌شود، بہ شوخی گفتم اگر حل شود مبلغی نذر شما می‌کنم.... پرسیدیم شما را کجا می‌توان زیارت کرد، فرمود در ہمین جاہا و شبہای جمعہ در علی بن جعفر. ما بہ آن طرف نہر بسوی جمکران و ایشان بہ این طرف نہر سوی کوه خضر حرکت کردیم. رفیقم گفت اسم و نشانی آقا را نپرسیدیم، بلافاصلہ بہ عقب نگاہ کردیم و کسی را ندیدیم. کمتر از یک ہفتہ بطور معجزہ اسائی مشکل اشتغال اینجانب حل شد!

واز آن زمان تا بحال ہموارہ در محل موعود بدنبال آن آقا میگردم».

۱۳ - خاطرات آقای کوه خضری از کوه خضر نبی علیہ السلام

جناب آقای حاج حسین کوه خضری متولد پنجم دلو ۱۳۰۲ و از خدام رسمی و بازنشسته حرم مطهر حضرت معصومه (س) می باشند ایشان از نیروهای شایسته و متدین و از خانواده های علاقمند به اهل بیت هستند.

قبلاً شنیده بودم که پدر ایشان و خودشان سالیان متمادی از خدام افتخاری و پر سابقه مسجد کوه خضر بوده اند و از مستاجرین قنات، مزارع و باغچه موقوفه جنب مسجد بوده اند. و بهمین دلیل هم نام خانوادگی ایشان (کوه خضری) می باشد. مترصد بودم که با این شخص دیداری انجام داده و اطلاعاتی دریافت نمایم که البته هیچ شناخت شخصی و قبلی با ایشان میسر نگردیده بود.

در ساعت ده صبح روز ۸۱/۴/۲۵ روز میلاد حضرت زینب کبری (س) از طریق اداره به منزل ایشان تماس گرفته شد که چنانچه ممکن باشد به اداره تشریف بیاورند، گوئیا فرموده بودند، کسالتی دارند بعداً مراجعه می کنند.

حدود یک ساعت بعد برخلاف انتظار، ایشان به اداره مراجعه، و با حرارت و علاقه خاصی فرمودند، متوجه یک حقیقت شده ام که مرا برافروخته کرده است. گفتم چه شده است؟ با تأکید و سوگند فرمودند، که من دیشب خواب دیده ام که بالای کوه خضر رفتم و قله کوه اینقدر مرتفع گردیده که زمین و دره های اطراف بسختی برایم قابل مشاهده بود و با خود می گفتم چگونه باید به پائین کوه بروم که از خواب بیدار شدم و بی خبر از همه جا وقتی خبر تماس تلفنی اداره را شنیدم یکباره متوجه خواب دیشب خود شدم و بلافاصله به اداره اوقاف حرکت کردم.

و این جریان خواب شب گذشته را ایشان چند بار با حرارت بیشتر برای افراد با شگفتی خواص نقل فرمودند، و این را حاکی از الهام الهی و معجزه خضر نبی علیہ السلام دانسته اند!

بهر حال جلسه تشکیل شد و ایشان خاطرات بسیار شیرین و جالبی را بیان فرمودند که فیلم آن نیز هم اکنون در این اداره موجود است، مجموعه پاسخ و پرسشهای ایشان در چند فراز دسته بندی گردیده است:

۱ - شما از چه سالی با کوه خضر مرتبط بوده اید؟

بجهت اینکه مرحوم پدرم از اول خادم افتخاری کوه خضر بوده است من هم از همان ابتدای کودکی با این مکان مقدس مرتبط بوده ام، و حتی پدرم مرا بدوش می گرفت و با خود به مسجد کوه خضر نبی علیه السلام می برد.

۲ - از مرحوم پدرتان چه خاطره ای در مورد کوه خضر دارید؟

مرحوم پدرم ۹۵ سال عمر کرد که ۷۰ سال از آنرا به این کوه خدمت کرد ایشان بجهت آن علاقه شدیدی که به این مسجد مقدس داشتند همیشه سعی می کردند بهر قیمت شده به این مسجد مقدس خدمت کنند حتی با حمل آب بر پشت خود، زائرین بالای کوه را سیراب سازند و امکانات خدمات در حد مقدور را برای زوار فراهم نمایند، همین الان که مسیر بالای کوه هموار گردیده ملاحظه می فرمائید که چقدر صعب العبور است، تا چه رسد به آن زمان که هیچ امکاناتی در نزدیکیهای این مکان مقدس نبوده، و حمل آب و آذوقه با پای پیاده تا بالای قله چه مشکلاتی داشت، ولی در عین حال بلحاظ عشق و علاقه ای که بود این امر انجام می گرفت و بخصوص استقبالی که زائرین مسجد از آن محل داشتند.

اما در مورد خاطره که سؤال فرمودید، پدرم می فرمود من چهار مرتبه حضرت خضر را در اینجا زیارت کرده ام.

من خاطرات زیادی را از پدرم شنیده ام که متأسفانه فقط چندتای از آنها را خوب بیاد دارم.

خاطره اول: اینکه پدرم در دوران کودکی برای من شرح داد که پسر من

خواب دیدم که پای این کوه تماماً خانه ساخته شده و گلخانه شده و اینجا بصورت شهری درآمد و... من عرض کردم در این کوه بیابان و فاصله زیاد با شهر چطور ممکن است؟ گف نزد خداوند کاری ندارد..... و امروز در اواخر عمرم بحمدالله شاهد هستم که خواب پنجاه سال پیش پدرم عملی می شود. و شاید هم آن گلخانه همین ۱۴ شهید عزیز گمنام باشند که در دامنه این کوه دفن شده اند و عظمت هائی را به همراه خود آورده اند و سبب آبادی این کوه مقدس شدند.

خاطره دوم: پدرم می گفت یک روز در پای کوه متوجه پیرمردی شدم که ناگهان ظاهر شد و گفت: آقای شیخ محمد کجا می روی؟ گفتم: آب برای زائرین می برم، فرمود: شما جو و گندم و ادویه فراهم کرده ای، گفتم: آقا این چه سئوالی است می فرمائید، فرمود: من صلاح و رفاه شما را می خواهم، گفتم ببله آقا یک کیسه گندم و ۴ کیسه جو دارم.... خداوند برکت دهد و ناگهان آن پیر غیب شد، سال بعد قحطی شد و آن اجناس برای ما و خانواده خیلی راه گشا شد.

خاطره سوم: اینکه فردی بنام آقای مجتهدی سه ماه شب و روز در کوه ساکن بود، روزی از روزها به پدرم گفت: من مهمان دارم شما داخل مسجد نشوید.... پدرم می گفت: پس از ساعتی احساس کردم پیری از مسجد خارج شد، آقای مجتهدی گفت شیخ خیلی عذر می خواهم مهمان داشتم که رفت.

و جالب است که قنات کوه خضر هنوز برقرار و دارای آب است.

خاطره چهارم: عالم بزرگوار دیگری بود که معروف بود به سید سکوت که قبر ایشان در صحن اتابکی حرم مطهر است. وقتی از درب جنوبی وارد می شوی در همان ابتدای دیوار سمت چپ قرار داشت که متأسفانه فعلاً روی آن قبر سنگ فرش شده و آثاری از آن باقی نمانده و مرحوم آیت الله نجفی به صاحب این قبر خیلی علاقه داشت و همیشه برای فاتحه خوانی می آمد این سید سکوت

ماه‌های زیادی در کوه خضر می‌ماند و پدرم خاطرات عجیبی از او نقل میکرد، زائرانی که به مسجد کوه خضر می‌آمدند از وجود و دعای او خیلی استفاده میکردند، مرحوم پدرم می‌گفت: یک روز دیدم پیرمردی به‌مراه سید سکوت وارد مسجد شد و تا چند ساعت با هم صحبت می‌کردند، بعد که پدرم وارد مسجد می‌شود می‌بیند که پیرمرد نیست و سید سکوت با حالت شگفتی با اشاره به او می‌گوید که.... رفت.

سؤال - خود شما شخصاً چه معجزات و خاطراتی دارید؟

من برکات فراوانی در این مکان مقدس مشاهده نموده‌ام. اما چند خاطره برایم خیلی شیرین است که با اینکه سالها از وقت آن گذشته اما هنوز شیرینی آنها در جان خود احساس می‌کنم.

در سن ۱۶ سالگی بودم که جمعیت زیادی به کوه آمدند تا وسائل مسجد را جمع کردم هوا نزدیک بغروب شد، در حالیکه از کوه پائین می‌آمدم خیلی دچار ترس و وحشت شدم، بعدی که جرئت نمی‌کردم پائین بیایم چند قدم که به سختی پائین رفتم یک مرتبه بالای کوه نگاه کردم، پیرمردی نورانی را دیدم در حالیکه کوله‌پشتی بردوش و لباس مثل قبا برنگ پشم شتر به تن داشت و به من نگاه می‌کرد با کمی خمیدگی قد، بدون اینکه هیچ صحبتی انجام دهد همینکه نگاهم به او افتاد، گوئی تصرفی در وجودم کرده ترس و وحشت از سراسر وجودم رخت بربست براحته به پائین کوه آمدم و بمنزل رسیدم. وقتی قصه را برای پدرم نقل کردم او با آه و تأسف گفت: افسوس که جناب خضر را دیدی و نشناختی! گفتم چطور؟ گفت: هیچ فکر نکردی که وقتی همه زائرین رفته‌اند و تودرب مسجد را بستی این پیرمرد در ایوان مسجد در موقع غروب آفتاب چرا آمده و از کجا آمده؟ بعلاوه روی جریان طبیعی وقتی این چنین فردی

ناشناخته‌ای یکبار در پیش رویت ظاهر شود علی‌القاعده باید دچار وحشت و اضطراب بیشتری می‌شدی اما آن حضرت چه معجزه‌ای کرده که فقط با یک نگاه ساده حالت روحی تو را تغییر داده!

از آن زمان تا بحال هر وقت این خاطره را و آن نگاه پر از معنویت آن مرد سالخورده را به یاد می‌آورم احساس لذت و حسرت دارم.

خاطره دیگر اینکه در قدیم در کنار همین محراب فعلی سنگ نوشته‌ای بود که اشعار زیبای مربوط به حضرت خضر علیہ السلام داشت که متأسفانه بعداً این سنگ مفقود شده.

روزی سخت از نظر مالی در مضیقه بودم در همان حال متوسل به حضرت خضر نبی گردیدم بعداً که کنار سنگ رفتم دیدم تعدادی سکه‌های قدیم برخلاف انتظار در کنار محراب ریخته شده آنها را برداشتم و تا مدت‌ها گرفتاری مالی من و خانواده برطرف شد.

خاطره سوم اینکه بعد از فوت پدرم من کمتر موفق می‌شدم که به کوه خضر مشرف شوم یک روز از طرف تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) نامه را به خدمت حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی بردم، ایشان در همان دقایق اول با حالت نارضایتی و گله‌مندی فرمودند که حسین چرا بعد از مرحوم پدرت دست از کوه خضر کشیدی و این مسجد مقدس را رها کردی؟ مردم در آنجا زیاد تشنگی می‌کشند و در مضیقه هستند، دیروز خانواده ما برای نماز به مسجد کوه خضر رفته‌اند، که به خاطر بی‌آبی خیلی تشنگی کشیده‌اند، حیف است این مکان را غریب رها کنی، من خاشعانه عرض کردم چشم آقا از این به بعد سعی می‌کنم یک روز در میان از خدمت در حرم حضرت معصومه مرخص شوم به خدمت در کوه خضر ادامه دهم.

و واقعاً از این حساسیت و توصیه شدید مرحوم آیت الله نجفی من ارادت بیشتر به این مکان پیدا کردم و فهمیدم که این محل مقدستر از آن است که من فکر می کردم.

سؤال - از علماء و متقین در گذشته چه کسانی بیشتر به این کوه مراجعه می کرده اند؟

اجمالاً علماء و بزرگان زیادی از قدیم به این مکان مقدس مشرف می شوند، من چندین بار امام خمینی را دیدم که معمولاً در روزهای جمعه صبح زود به همراه چند تن از سیدهای یخچال قاضی برای نماز خواندن به این کوه می آمدند و مشغول به دعا و عبادت می شدند، که یکی از آن سیدها تا چند سال پیش هم زنده بود، و یکی دیگر از علماء آقای خلخالی بود که به کوه می آمدند.

چنانکه گفتم مرحوم آقای سید سکوت که از عباد گذشته بودند و قبر ایشان در ابتدای صحن اتابکی حرم مطهر حضرت معصومه می باشد، از جمله اولیاء بزرگی بودند که به این مکان مقدس علاقه زیادی داشتند و گاهی تا چهل روز در آن مکان مقدس می ماندند.

مرحوم آقای مجتهدی یکی دیگر از صالحان شایسته بودند که ایشان هم خیلی به این محل علاقه داشتند، و چهل شبانه روز در این مسجد بیتوته می کردند.... (۱)

۱ - بعد از تدوین این کتاب مطلع شدیم که مرحوم آقای حسین کوه خضری در تاریخ ۸۱/۸/۲۷ برحمت ایزدی پیوست (رحمه الله علیه)

۱۴ - عمران و آبادی مسجد کوه خضر مورد عنایت آقا است

قبلاً مسجد جمکران مثل الان - که هر شب چهارشنبه این همه جمعیت می آیند - رونق نداشت، شخصی بنام «حاج علی آسایی» با ماشین خودش همراه با چند نفر بودند که به مسجد مقدس جمکران می آمدند.

ایشان می گفت: روزی از طرف چهارراه بیمارستان فاطمی به سمت حرم می رفتم سرکوچه ارک، سید نورانی را دیدم که با هیبت خاصی ایستاده اند بی اختیار جلوی پایش ترمز کرده و گفتم «می فرمایید؟»

فرمود: «سوار می شوم».

به طرف سه راه موزه حرکت کردم، بدون اینکه من یا آن آقا حرفی بزنیم، خود به خود ماشین دور زد از سه راه موزه به طرف صفائیه برگشتم. بعد از جاده قدیم اصفهان رو به سمت مسجد (جاده قدیم جمکران) حرکت کردیم بعد از پل نو از جاده قدیم رسیدیم نزدیک **مسجد و اول جاده کوه خضر**، آقا فرمود: «نگه دار!» بی اختیار ماشین توقف کرد پیاده شدند و مبلغ ۵ تومان (که آن زمان با همین پول ماشین دربست برای جمکران بود) به من مرحمت کردند من عرض کردم: «پول لازم نیست».

فرمود: «مایه جیب است، بگیر!»

باز من تعارف کردم، به آقا عرض کردم: «التماس دعا دارم».

فرمود: «من اینجا آمدم جهت دعای شماها».

ماشین راه افتاد برگشتم ببینم این آقا به کدام سمت می رود؟ کسی را ندیدم پیاده شدم و به اطراف نگاه کردم، کسی را نیافتم احساس کردم که به خدمت

قطب دایره عالم امکان امام عصر (ارواحنافداه) مشرف شدم. ار برکت آن مایه جیب کار من خوب و وضع مالی ما که کاملاً بهم خورده بود روبراه شد.

تا اینکه روزی چند مسافر یزدی به من برخورد کرده آنها را سوار کردم وقتی پیاده شدند و کرایه دادند من می بایست پنج تومان به آنها پس بدهم هرچه در جیبم و دخل نگاه کردم جز آن پنج تومان که آقا داده بودند پول دیگری نداشتم و هیچ راهی نبود که از کسی چیزی بگیرم ناچار همان پنج تومانی را دادم، باز وضع مالی ما برگشت و در مضیقه مالی افتادیم.

خطاب به آقا عرض کردم: «مولاجان! من نمی خواستم آن مایه جیب را از دست بدهم لکن حواله خود شما بود که از دستم رفت و الان به ما بد می گذرد خواهش دارم مایه جیب دیگری بفرستید».

روزی از خیابان خاکفرج رو به وادی السلام می رفتم پیرمردی نورانی را دیدم که سوار ماشین من شد، محبت او در دلم قرار گرفت پیاده شد خواست کرایه بدهد گفتم «شما نمی خواهید کرایه بدهید».

تبسمی فرمود و گفت: «برای مایه جیب می دهم».

خوشحال شدم و گرفتم و یادم آمد از جریان امام زمان علیه السلام و آن پیرمرد هم از نظرم غایب شد، احتمال دادم به امر آقا امام زمان این نوبت **حضرت خضر علیه السلام** بودند که مایه جیب به من مرحمت فرمودند. (۱)

گرچه تاریخ بنای اصلی مسجد بر فراز کوه خضر علیه السلام مربوط به صدها سال قبل می باشد، اما بر اساس تحقیقات انجام گرفته اجمالاً در این دو قرن اخیر در

۱ - از کتاب شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام صفحه ۳۰۴ بنقل از دفتر ثبت کرامات مسجد جمکران،

دو مقطع تاریخی نسبت به بازسازی، مرمت و توسعه مسجد مذکور اقدامات قابل توجهی معمول گردیده.

مرحله اول مربوط می شود به حدود یکصد و پنجاه سال قبل، اواخر دوران صفویه و ابتدای دوران قاجار، که این امر توسط نیکوکار معروف حاج میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم در سالهای ۱۲۷۰ هـ ق به بعد انجام گرفته، و ایشان آثار خیر متعددی را در قم برجای نهاده و حداقل چهار مکان مقدس را بازسازی نموده که عبارت بوده است از ۱ - حرم مطهر حضرت معصومه (س) بخصوص صحن شرقی حرم مطهر که معروف به (صحن اتابکی) است ۲ - صحن امامزاده شاه حمزه واقع در خیابان آذر ۳ - قسمتی از مسجد مقدس جمکران، ۴ - مسجد مقدس کوه خضر (بنا به نقل آقای کوه خضری و کتاب انوار المشعشعین جلد ۱ صفحه ۴۷۲).

دومین مرحله ای که نسبت به عمران ساختمان و مسیر مسجد کوه خضر اقدام نسبتاً جدی صورت گرفته، در سالهای ۱۳۷۰ هجری شمسی به بعد است که این عمل بهمت مدیرکل اوقاف وقت حضرت حجة الاسلام جناب آقای فاضلی انجام گرفته است، که نامبرده خود زحمات و تلاشهای قابل تقدیر نیز نسبت به مسجد جمکران معمول داشته اند. و در این رابطه خاطره ارزشمندی را نقل فرموده اند که در حقیقت همان موضوع هم انگیزه بازسازی مجدد این مکان مقدس توسط اداره کل اوقاف قم گردیده است.

نامبرده طی یادداشتی برای اینجانب مرقوم فرموده اند.

بسم الله الرحمن الرحيم

حدود سال ۱۳۷۰ هجری شمسی بود، قبل از ظهر یکی از روزهای اداری در محل کار بودم، شخص محترمی بر من وارد شد پس از سلام و احوالپرسی فرمود: شما آقای فاضلی هستید، عرض کردم بله، فرمود: من حامل پیامی از حضرت ولی عصر (عج) می باشم و اظهار داشت: آن وجود مقدس و عزیز همه عزیزان، به کوه خضر (معروف و مشهور در قم) نظر عنایت دارند و من از ایشان علیه السلام اجازه گرفته ام موضوع را به شما اطلاع دهم که شما راه صعود به بالای کوه را اصلاح و مسجد بالای کوه را تعمیر و بازسازی یا توسعه دهید (بایی و امی و نفسی لک الوقاء والحمی) به ایشان عرض کردم این روزها بازار این حرفها داغ و دکان این مسائل (ادعای رؤیت و پیغام و غیره) زیاد شده از کجا بدانم راست می گوئید و شما از آنها نیستید؟

سپس موضوعی را که شخصاً با آن درگیر بودم و از مسائل حیاتی من بود و هیچ کس به غیر از من و خدای من و آن وجود مقدس (عج) از آن مطلع نبود نیت کردم و به ایشان عرض کردم موضوعی را من نیت کرده ام، شما بروید (اگر راست می گوئید) نظر مبارک حضرت درباره آن نیت برایم بیاورید اگر مطابقت داشت اقدام می کنم - جریان ملاقات و موضوعات مطرح شده و آنچه را نیت کرده بودم یادداشت کردم - ملاقات اول با خدا حافظی پایان یافت.

چند روز دیگر آن شخص محترم مراجعه و آنچه نیت کرده بودم

رامطرح وگفت، آقا فرموده‌اند فلان کار را انجام ندهید و مسائل مربوطه را ما خودمان حل می‌کنیم.

و دقیقاً آنچه را من نیت کرده‌بودم همان بود که این شخص محترم از طرف امام علیہ السلام عنوان کرد بدون هیچ کم و کاستی و هر آنچه را که فرمود در آینده صحیح در آمد و آنچه را وعده فرموده بودند بدان عمل گردید و همه مسائل با عنایت خاصه آن قطب عالم امکان حل و فصل و سپری گردید این ملاقاتها و دستورات ادامه یافت و بدنبال این جریان بود که من نسبت به اصلاح مسیر و تعمیر مسجد کوه خضر علیہ السلام اقدام نموده و خود را موظف به این کار دانستم.

دربابان گریه شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور

از جمله در ارتباط با اعتبارات مورد نیاز و هزینه‌های جاری و مشکلات و موانع موجود و یا آنچه پیش خواهد آمد استفسار کردم آن سرور محترم (پیام‌رسان) فرمود: حضرت فرموده‌اند ما خودمان مسائل مالی آن را نیز تأمین و حل خواهیم کرد و همینطور هم شد البته

فما احلی اسمائکم واکرم انفسکم و اعظم شأنکم و اجل خطرکم و اوفی عهدکم و اصدق وعدکم... عادتکم الاحسان و سجیتکم الکرم.

البته این امر و این حادثه و آن عنایت، مسائل مختلف و جوانب متعدد و وقایع کثیری در پی داشت که اگر توفیق نصیب گردید و خواست آن حضرت (عج) تعلق گرفت در آینده به رشته تحریر خواهد آمد.

و اینک به لطف خدا مجدداً مرحله سوم عمران و آبادی از بخشهای مختلف فیزیکی و فرهنگی و خدماتی این مکان مقدس توسط اداره کل اوقاف و کمک سایر دستگاهها و همت مؤمنین آغاز گشته که امید است با سرعت و گستردگی هرچه بهتر و بیشتر این مکان مقدس به جایگاه اصلی خود که خانه مونس حضرت مهدی است نایل گردد؛ و به تدریج به اردوگاه بزرگ منتظران آن حضرت تبدیل شود.

نماز و سلام مخصوص حضرت خضر نبی علیه السلام

دستور نماز حضرت خضر علیه السلام در شبهای جمعه:

گرچه نماز مزبور اختصاص به مکان خاصی ندارد، اما مطلوب است که هنگام ورود به مسجد کوه خضر نبی علیه السلام اولاً زائران محترم دو رکعت نماز بعنوان نماز تحیت مسجد اقامه کنند، ثانیاً نماز مخصوص حضرت خضر علیه السلام را به قصد قربت و رجاء اقامه فرمایند، و سپس سلام مخصوص حضرت خضر نبی را قرائت نمایند. مجموع نماز چهار رکعت است، بعد از هر رکعت سلام دهد در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه این آیه را بجای سوره بخواند:

وَذَٰلَ النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَأَفْوَضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَخَاقٍ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءَ الْعَذَابِ .

بعد از نماز صد مرتبه لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم گوید. پس از آن حاجتهای خود را بخواهد برآورده خواهد شد انشاء الله (۱)

۱۵ - علت نامگذاری این کوه به نام خضر نبی علیّه السلام

گرچه فرضاً منبع معتبری را نتوان بمنظور نامگذاری و این وجه تسمیه پیدا کرد. اما تحقیقاً عنایات و اشاراتی موجود است که خود می تواند بیانگر این وجه تسمیه و علت انتساب این مکان شریف به حضرت خضر نبی علیّه السلام باشد زیرا:

۱ - عامل اصلی ارتباط را باید در فلسفه برکات وجود و ظهور حضرت مهدی علیّه السلام جستجو کرد. این حلقه اتصال و نقطه مرکزی این ارتباط در رابطه با وجود حضرت امام زمان علیّه السلام به راحتی قابل توصیف و توجیه پذیر است یعنی از یک طرف مرکزیت قم در آخرالزمان و حوزه علمیه، و مراجع دینی همه حکایت از آن می کند که این شهر پایگاه ظهور و تجلی حضرت مهدی علیّه السلام خواهد بود. (۱)

چنانکه ما در روایات می خوانیم که امام صادق علیّه السلام در اوصاف مردم قم فرموده اند: «اما انهم انصار قائمنا و دعاة حقنا» بدانید که اهل قم یاوران قائم ما هستند. (۲)

و اساساً یکی از علل نامگذاری این بلد به قم همین است که فرموده اند: «انما سمي قم - هكذا - لأن اهل مجتمعون مع قائم آل محمد ﷺ و يقومون معه، و يستقيمون عليه و ينصرونه، یعنی قم به این جهت قم نامیده شده که اهل آن حول وجود قائم آل محمد گردمی آیند و با او قیام میکنند». (۳)

برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به کتاب زمینه سازان انقلاب حضرت مهدی علیّه السلام تحت عنوان قم پایگاه انقلاب.

۱ - (نگاه کنید به کتاب) حضرت مهدی علیّه السلام فروغ تابان ولایت اثر محمدی اشتهاردی

۲ - کتاب بحار الانوار جلد ۶۰ صفحه ۲۱۸

۳ - بحار الانوار جلد ۶۰ صفحه ۲۱۶ و منتخب الاثر صفحه ۴۸۵

این از یکطرف در فضیلت قم و اهل قم و نقشی که در ایجاد دولت حضرت مهدی دارند.

و از طرف دیگر در اوصاف حضرت خضر علیه السلام آمده است که: خداوند حضرت خضر را مونس حضرت مهدی علیه السلام قرار داده است. و در هنگام ظهور جناب خضر علیه السلام بعنوان وزیر اول دولت حضرت مهدی علیه السلام ایفای نقش می کند.

اصولاً صفات برجسته حضرت خضر علیه السلام در بیان انبیاء «عالم بودن او است» و صفت برجسته شهر قم نیز «مرکزیت علمی» او است و این وجه اشتراک در هر دو، حول محور علوم الهی و اخبار غیبی است.

بر این اساس و باتوجه به مشترکات رسالت اهل قم و جناب خضر نبی علیه السلام در راستای یاری از حاکمیت وجود نازنین حضرت مهدی سلام الله علیه بخصوص در دوره آخرالزمان و زمینه سازی ظهور آن حضرت خود از قویترین عوامل و مشترکاتی است که می تواند موجبات علاقمندی جناب خضر نبی را به شهر مقدس قم فراهم آورده باشد.

و جالب است که در کتاب الزهرالنضر فی بناء الخضر صفحه ۷۱ چاپ لبنان تألیف ابن حجر عسقلانی حضرت «خضر» را از اهل «فارس» دانسته و در صفحه ۳۹ کتاب مذکور از قول سهیلی در کتاب التعریف والاعلام نقل می کند، که مادر خضر فارسی و نامش «الهاء» بوده است!

بر این اساس تعیین محلی در بالای کوه سفیدی برای نصب پرچم حضرت مهدی علیه السلام در کنار شهر قم هیچ مستبعد نیست، و عنایت جناب خضر نبی علیه السلام به چنین مکانی نیز کاملاً توجیه پذیر و قابل قبول است.

۲ - مرحوم مجلسی در جلد ۲۷ بحار الانوار صفحه ۳۳ روایتی نقل فرموده که محل استقرار و ملاقات جناب خضر در کوهی است ارزشمند و بلند مرتبه که معروف به کوه خضر است بدون تعیین مکان، به این تعبیر که: «جبل شامخ فی العلو و هو جبل الخضر علیہ السلام».

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در جلد اول کتاب الکنی و الالقاب صفحه ۱۲۵ در شرح حال عارف معروف احمد جامی می نویسد: «اتصل فی بعض الجبال الی خدمة الخضر النبی علیہ السلام و تلقی منه الذکر و بقی فی الرياضة هناك ثمانی عشر سنة ثم توجه الی بلدة جام و اخذ فی ارشاد الخلق».

یعنی: جناب جامی، در کوهی واصل به خدمت جناب خضر نبی گردید و از او ذکر آموخت و ۱۸ سال در آن کوه ریاضت کشید، و پس از آن جهت ارشاد خلق بسوی سرزمین جام رفت.

۳ - و نکته دیگر اینکه علت انتخاب این مکان به نام مسجد کوه خضر دست کم از نظر ظاهر به همان دلیل می تواند انجام پذیرفته باشد، که نقطه ای از ده جمکران برای احداث مسجد موصوف به امر مبارک حضرت ولی عصر علیہ السلام انجام گرفته است و جناب خضر نبی علیہ السلام نیز در آن جلسه در کنار آن حضرت بوده است. زیرا:

همان روایتی که در آن خبر از وجود جمکران داده شده، خبر از وجود کوه سفیدی که در حوالی قم و مسجد جمکران است نیز داده شده است.

و اساساً نخستین منبع روایی این خبر و خبر تأسیس مسجد مقدس جمکران منقول از همان کتاب مونس الحزین شیخ صدوق است.

تمام کتبی که تشرف حسن مثله جمکرانی را بخدمت حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده‌اند، این را نیز نوشته‌اند که جناب خضر علیه السلام هم در آن جمع در کنار حضرت مهدی علیه السلام بودند.

چنانکه در جلد ۲ صفحه ۵۲ کتاب النجم الثاقب آمده است: «ورأيت فتى فى زى ابن ثلاثين متكاً عليها، وبين يديه شيخ، وبیده کتاب یقرؤه علیه، و حوله أكثر من ستین رجلاً يصلّون فى تلك البقعة، و على بعضهم ثياب بيض، و على بعضهم ثياب خضر.

و كان ذلك الشيخ هو الخضر عليه السلام فأجلسينى ذلك الشيخ عليه السلام، و دعانى الامام عليه السلام باسمى»

یعنی: حسن مثله جمکرانی می‌گوید: دیدم جوانی حدود سی ساله تکیه بر بالش زده و پیری هم پیش او نشسته، و در دست آن پیر کتابی بود که برای آن جوان قرائت میکرد، و بیش از شصت مرد بر گرد او نماز می‌گذارند، بعضی جامه‌های سفید و بعضی جامه‌های سبز به تن داشتند و آن پیر حضرت خضر علیه السلام بود، پس او مرا بنشانند، و حضرت مهدی علیه السلام مرا به نام خودم صدازد و فرمود....

ملاحظه می‌فرمائید در این جمع شصت نفره از اصحاب حضرت مهدی بعد از خود آن حضرت، تنها کسیکه مورد شناسائی حسن مثله جمکرانی قرار گرفته جناب خضر نبی بوده است و جالب است که حتی نشستن ایشان در محضر امام زمان علیه السلام در آن مجلس نیز به امر و واسطه جناب خضر علیه السلام صورت پذیرفته است، یعنی این حلقه ارتباط و واسطه‌گی بین کسیکه بناست در آنجا بنای مسجد جمکران را پی‌گیری کند خیلی معنا دارد.

حجة الاسلام والمسلمین محمد محمدی اشتهاردی یکی از فضلا و علماء برجسته حوزه علمیه قم در کتاب قصه‌های قرآن در فصل مربوط به حضرت خضر در صفحه ۳۳۸ تحت عنوان «شرکت خضر علیّه السلام همراه امام زمان (عج) در تأسیس مسجد جمکران» جریان احداث مسجد را نقل کرده تا این قسمت که حسن بن مثله گفت: «آن پیرمرد که حضرت خضر علیّه السلام بود مرا روی تخت بنشانید» و در پاورقی مرقوم فرموده‌اند: «از این عبارت فهمیده می‌شود که حضرت خضر علیّه السلام در تأسیس مسجد، همراه حضرت مهدی علیّه السلام بوده...».

۴ - چنانکه در چند مورد این کتاب اشاره گردیده، اشخاصی از صلحا، جناب خضر را کراراً در این مکان مقدس مشاهده کرده‌اند. لذا به یادگار رؤیت او این مسجد مختصر را در بالای کوه ساخته‌اند.

۵ - اشخاصیکه به نوعی توفیق تشرف بمحضر مبارک حضرت مهدی علیّه السلام را داشته‌اند، بعضاً نور وجود آن حضرت را از سمت کوه خضر مشاهده کرده‌اند.

۶ - مشترکات متعددی که بقدرت حق تعالی در وجود جناب خضر نبی علیّه السلام و حضرت مهدی علیّه السلام قرار داده شده و حضرت خضر را یکی از وسیله‌های ظهور دولت حضرت مهدی علیّه السلام قرار داده، (که در فصل بعدی ذکر می‌گردد) خود می‌تواند نمادی از واقعیتهای ارتباط بین مسجد جمکران و مسجد کوه خضر نبی را در برداشته باشد.

۷ - و نکته آخر اینکه در گذشته‌ای نه چندان دور مسجد جمکران آنقدر غریب و مهجور بود که دارای زائران بسیار معدود و انگشت شمار و راهی صعب‌العبور داشت که می‌گویند یکی از آرزوهای حضرت آیت‌الله العظمی

بروجردی این بود که ایشان روزی موفق شوند مسیر تشریف به جمران را آسان سازند، (۱) مؤلف کتاب آئینه اسرار در صفحه ۲۴ موقعیت مسجد مقدس جمران در سی سال پیش (۱۳۹۰ قمری) را چنین مرقوم داشته:

«نگارنده به خاطر دارد که حدود سی سال قبل مسجد جمران در محوطه‌ای کوچک قرار داشت، و معمولاً فقط در شب و روزهای جمعه و شبهای خاص، عده اندکی از صالحان و عابدان و افراد مضطر و پریشان به آنجا می‌رفتند و در غیر این ایام کسی در آنجا دیده نمی‌شد. جاده آن خاکی بود و نوعاً افرادی که عازم آنجا می‌شدند پیاده می‌رفتند».

بحمدالله دیدیم که زمان چندانی نگذشت که سیل میلیونی جمعیت مسلمان در طول سال با علاقه و عشق به این مکان مقدس روی آورده و عاشقانه با امام خود زمزمه می‌کنند، و مسجد جمران امروز دیگر یک پایگاه بزرگ جهانی برای همه عاشقان و منتظران حضرت مهدی علیه السلام گردیده و امید است که همین سرنوشت را بتوان نسبت به مسجد کوه خضر نبی علیه السلام نیز مشاهده کرد، و نمونه بازار آن غربت قبلی و تحولات فعلی است که پس از تدفین ۱۴ شهید عزیز گمنام در این مکان مقدس انجام گرفته و می‌گیرد. روزی مسجد کوه خضر با راهی بسیار صعب‌العبور در ارتفاع بالا و نمازگذارانی بسیار محدود و فاقد آب و برق و عمران و آبادی و امروز بحمدالله در آستانه درخشندگی معنوی و عمرانی است.

۱۶ - شباهتها و فضیلت‌های ۱۲ گانه جناب خضر نبی علیہ السلام با حضرت مهدی علیہ السلام

۱ - هر دو بزرگوار عمر طولانی دارند:

فلسفه تحریر این جزوه نه موضوع بررسی زندگی حضرت خضر و نه زندگی حضرت مهدی سلام الله عليهمها است بلکه موضوع اصلی درباره مسجدی است که معروف به کوه خضر است،: اما بلحاظ نقش مهمی که جناب خضر علیہ السلام در زندگی حضرت مهدی علیہ السلام در دوران غیبت و ظهور داشته و دارد. در ادامه این تحقیق، موضوع حضرت خضر و نقش ایشان در زندگی حضرت مهدی علیہ السلام بعنوان جلد دوم کتاب در دست بررسی است که انشاء الله در آینده نزدیک توسط اداره کل اوقاف به چاپ خواهد رسید.

بمناسبت ارتباط بین این دو وجود شریف در این جزوه اجمالاً در ۱۲ بند مشترکات این دو بزرگوار ذکر گردیده و مشروح مطالب را انشاء الله در مجلد بعدی مطالعه خواهید فرمود.

بدیهی است که بر اساس روایات و اعتقادات شیعه حضرت مهدی صاحب الزمان در حقیقت واجد کمالات همه انبیاء و اولیاء است، و آنچه از کمالات برای هر یک از انبیاء الهی بوده همه یکجا به نحو اتم و اکمل در آن بزرگوار جمع است.

نخستین چیزی که بر اساس اسناد و مدارک تاریخی و روایی در این رابطه قابل طرح است و در حقیقت اساسیترین نقطه خاص و برجسته‌ترین فصل مشترک بین جناب خضر علیہ السلام با حضرت مهدی علیہ السلام می باشد این است که خداوند تبارک و تعالی اراده فرموده عمری بلند و غیر معمول نصیب این دو بزرگوار فرماید و در روایت است که طولانی‌ترین عمر اولاد آدم از آن خضر نبی است بنابر

این طولانی بودن عمر جناب خضر علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام بمعجزه الهی و بصورت غیر طبیعی می باشد. صرف نظر از فلسفه غیبت و علت بلندی عمر، نفس این فعل معجزه ای است که خداوند تبارک و تعالی در این دو وجود مقدس قرار داده و هنر مشترکی است که برای خود حاوی موضوعیت است.

طولانی بودن عمر حضرت خضر در این رابطه از آنچنان اهمیتی برخوردار است که بر اساس روایتی که مرحوم شیخ صدوق در جلد دوم کتاب اکمال الدین از امام صادق علیه السلام نقل کرده طولانی بودن عمر جناب خضر فقط برای این بوده که گواهی بر طول عمر حضرت ولی عصر (عج) بوده باشد.

۲ - هر دو بزرگوار از انظار عمومی غایبند:

در روایت است که وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام به علی بن مهزیار فرمود: انّ ابی علیه السلام عهد ابی ان لا اوطن من الارض الا اخفاها... فعلیک یا بنی بلزوم خدا فی الارض. پدرم از من پیمان گرفته است که جز در سرزمینهای پنهان و دور مسکن اختیار نکنم تا امرم مخفی بماند... از این جهت ترا بطرف بیابانها و شنزارها روان ساخت... و توصیه فرمود که باید از مکانهای پنهان و دور ساکن شوی.

بر اساس روایتی که در کتاب الاجتهاد جلد ۲ صفحه ۱۴۰ نقل گردیده است: «وقتی ابن الفضل از علت غیبت حضرت مهدی علیه السلام سؤال می کند امام صادق علیه السلام می فرماید: حکمت غیبت آن حضرت روشن نمی شود مگر بعد از ظهور آن حضرت، چنانکه حکمت اعمال جناب خضر علیه السلام روشن نگشت مگر پس از آنکه جناب موسی و خضر علیهما سلام خواستند از هم جدا شوند.

خضر علیه السلام وجه کارهایش آشکار نشد مگر بعد از آنکه خودش فاش کرد.

قائم علیّه السلام نیز وجه غیبتش آن طور که باید مکشوف نمی شود مگر بعد از ظهور».

۳ - هر دو بزرگوار برای بندگان صالح خدا ظهور و تجلی دارند:

محور فعالیتهای جناب خضر، حل مشکلات و خدمت به بندگان خدا از غیر طرق معمول است، مانند نجات کشتی از مصادره شدن با سوراخ کردن آن، و حفظ گنج دو نوجوانی که برای آنها به ودیعت گذاشته شده بود، و همین معنا در عنایات حضرت مهدی علیّه السلام نسبت به حل مشکل صالحان که توفیق زیارت آن حضرت را پیدا کرده اند فراوان نقل گردیده است.

ملاقاتهای حضرت خضر با پیامبران و ائمه و بعدها با صالحان و علماء و نیز تشرفات عدیده اشخاص صالح به محضر حضرت مهدی علیّه السلام نمونه های مکرر این موضوع است که اتفاق افتاده و می افتد.

۴ - هر دو بزرگوار عبد صالح خدایند:

در روایتی که مرحوم خاتم المحدثین علامه طبرسی در صفحه ۳۴۸ جلد دوم النجم الثاقب نقل فرموده: امام صادق علیّه السلام از حضرت خضر علیه السلام بعنوان «العبد الصالح» ذکر فرموده و برای حضرت مهدی علیه السلام نیز در روایت متعدد بعنوان «عبد صالح» یا «ابا صالح» ذکر گردیده است.

سید ابن طاووس در کتاب «امان» نوشته که اگر در جائی گم شدید امام زمان را به «ابا صالح» صدا بزنید. (۱)

۵ - هر دو بزرگوار مکلف به تکلیف علم لدنی هستند:

حضرت خضر علیّه السلام دارای علم لدنی است که بواسطه آن علم لدنی در جای جای زمین عمل می کند.

و آن حضرت مأمور به علم باطن بود، چنانکه به موسی علیه السلام گفت «إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا»، همانا تو هرگز همراه من صبر نتوانی کرد، و چگونه صبر نمائی بر آنچه نسبت به آن علم و احاطه نداری؟.

در کتاب تحقیق پیرامون شخصیت حضرت خضر صفحه ۱۰۲ آمده است:
نظر به اینکه خضر علیه السلام دارای علم لدنی است و با قضا یا و باطن آنها برخورد دارد در دولت حضرت مهدی علیه السلام هم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و مقام او با مقام دیگر وزرای حضرت مهدی علیه السلام کاملاً متفاوت است بدلیل اینکه وزرای دیگر حضرت دارای علوم ظاهری می‌باشند و با قضا یا بهمین نحو برخورد می‌کنند ولی خضر چون مراتب علمی او دارای افق بیشتری می‌باشد (بخلاف دیگران که بر حسب ظاهر عمل حکم می‌کنند) بر اساس علم لدنی و به حسب واقع عمل و حکم می‌نماید

۶ - هر دو بزرگوار در مراسم حج حاضرند:

بر اساس روایات جناب خضر علیه السلام همانند حضرت مهدی علیه السلام هر سال به همراه مسلمین در حج شرکت می‌کنند و دعای مخصوص رادر عرفات می‌خوانند، و برای دعای مؤمنین آمین می‌گویند. (۱)

«از ویژگیهای حضرت خضر علیه السلام که شباهت به حضرت مهدی علیه السلام نیز دارد شرکت همه ساله وی در مراسم حج می‌باشد». (۲)

آیت الله سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی ملقب به عبدالصاحب

۱ - کمال الدین ۲/۳۹۰ و بحار ۱۳/۲۹۹

۲ - کتاب تمنای ظهور صفحه ۱۰۹

که از علماء معاصر می باشد جریان تشرف خود را خدمت بقیة الله (روحی فداه) و حضرت خضر نبی علیہ السلام این چنین بیان فرمودند:

اولین بار که به بیت الله الحرام مشرف شده بودم، وقتی مراسم حج آغاز شد و برای انجام طواف به اطراف خانه کعبه رفتم، هرچه خواستم طبق دستور مذهب شیعه طواف را انجام دهم، برایم امکان پذیر نبود، چون سودانیها و اهل سنت و بعضی از عوام رعایت طواف را نمی کردند و حجاج را به این طرف و آن طرف منحرف می نمودند و به هیچ وجه نمی توانستم طبق دستور طواف کنم. گاهی تا پنج شوط طواف می کردم و در شوط ششم مرا منحرف می کردند. چندین بار این کار را از ابتدا انجام دادم ولی امکان صحیح انجام دادن نبود و بالاخره از خود بی خود شدم و به گوشه ای از مسجد الحرام رفتم و با خزن و اندوه شدید، های های گریه کردم.

در حال گریه کردن به حضرت حق - جل و علا - توسل یافته و عرض نمودم:

پروردگارا! تورا به ارواح مقدسه انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام قسم می دهم، ولی الله الاعظم حجة بن الحسن - روحی له الفداه - را برای من برسان که من با آن حضرت طواف را انجام دهم.

در همان حال بود که دیدم شخصی در سن چهل سالگی، که یک موی سفید هم در سر و صورت شریفش نبود، مرا به اسم صدا کردند و فرمودند:

می خواهی طواف کنی؟

عرض کردم: آری!

فرمودند: بیا با ما طواف کن.

شخص پیری که محاسنش را با حنا خضاب کرده بود، همراه ایشان بود و اینجانب به هیچ وجه توجه نداشتم که آن حضرت ولی عصر (عج) می باشند لذا به ایشان عرض کردم:

طواف طبق دستور، ابداً مقدور نیست.

فرمود: چرا مقدور است، بیابا ما طواف کن.

فوراً به قلم خطور کرد که تقاضایی از ایشان بنمایم و آن اینکه: پس آقا! اجازه بدهید احرامی شما را بگیرم و پشت سر شما به همان نحوی که شما طواف می کنید طواف کنم.

فرمودند: مانعی ندارد، احرامی مرا بگیر.

عرض کردم: این پیرمرد در این صورت پشت سر بنده قرار می گیرد، چه باید کرد؟

فرمودند: عیبی ندارد، شما فرزند پیغمبر هستید، او راضی خواهد بود. من احرامی آن سید «اینکه می گویم سید، چون دیدم شال سبزی بر روی لنگ خود بسته بودند» را گرفتم، من در وسط و آن سید بزرگوار در جلو و آن پیرمرد در پشت سر بنده، شروع به طواف نمودیم.

در حین طواف مشاهده کردم که در جلو و طرفین ما هیچ کس وجود ندارد و مثل اینکه خانه خدا را برای ما قرق کرده اند، ولی باز متوجه نشدم که این شخص بزرگوار کیست، تا اینکه فرمود: هفت شوط تمام شد، استلام حجر کن.

عرض کردم: آقا! مثل اینکه شش شوط شده نه هفت شوط.

یک مرتبه هردو از نظر غائب شدند، و صدایی بگوשמ رسید که: با

امام زمان خود و خضر طواف نمودی، شک مکن و وسوسه را از خود دور نما.

در این حال، حزن و اندوه من شدید شد و با خود گفتم: ای کاش امام زمانم را می شناختم و با آن حضرت بودم و در کنارشان نماز طواف را انجام می دادم و با ایشان سعی بین صفا و مروه می نمودم. (۱)

۷ - هر دو بزرگوار جهانگرد پنهانند:

جناب خضر در یک مکان ساکن نیست و او جهانگرد است، چنانکه همین معنا در زندگی و خصوصیات حضرت مهدی علیہ السلام نیز ذکر گردیده است. در روایت است که امام سجاد علیہ السلام فرمودند: «لا یطلع علی موضعه احدٌ... الا الذی یلی امره»، هیچکس از اقامتگاه حضرت مهدی مطلع نیست مگر آن کسی که متصدی خدمتگذاری اوست. (۲)

که چه خدمتگذاری واجد شرایطی بهتر از خضر نبی علیہ السلام.

۸ - هر دو بزرگوار روشنائی و خضریت دارند:

کلمه (خضر) به مفهوم سبزی و روشنائی است و علت نامگذاری حضرت خضر چنانکه از شیخ صدوق آمده این است که آن حضرت در سرزمین سفیدی بود که به یکباره تکان خورد و از پی او سبز شد. و نیز گفته شده که هر جا ایشان نماز بگذارد اطرافش سبز شود.

در کتاب بحار الانوار جلد ۱۳ صفحه ۳۰۳ روایت ۲۴ می خوانیم. انما سمی الخضر، لانه جلس علی ارض بیضاء فاهتزت خضراء فسمی الخضر لذک و هو اطول الادمینی عمراً...

۱ - کتاب عزیز آل یاسین نوشته محمدلک علی آبادی صفحه ۱۳۳

۲ - کتاب روزگار رهائی صفحه ۲۲۵ حدیث ۲۲۰

و در نجم الثاقب روایت کرده که حضرت قائم علیه السلام نیز به هر سرزمینی که بگذرد، سبز و پرگیاه می شود و آب از آنجا می جوشد و چون از آنجا برود آب فرو می رود به حال خود برمی گردد. (۱)

۹ - هر دو بزرگوار به هر مکان و زمان و به اشکال مختلف شرف حضور می یابند:

در کتاب الزهرالنضر فی بناء الخضر صفحه ۳۸ مطلبی را از ابن حجر عسقلانی نقل می کند که ایشان در مورد حضرت خضر نبی نوشته اند که..... «وجوده فی المواضع الشریفه او مواطن الخیر اکثر من ان تحصی، واشهر من ان تذكر» یعنی: وجود خضر نبی در مکانهای شریف و محلّهای خیر زیاده از آن است که بتوان برشمرد و مشهورتر از آن است که بتوان همه را یادآوری کرد.

علی ابن ابراهیم در تفسیر قمی نقل فرموده است که:

خداوند متعال به حضرت خضر علیه السلام قدرت و نیرویی عنایت فرموده که به هر شکل که بخواهد درمی آید. و بهمین جهت عموماً جناب خضر را به شکل مردی پیر و بعضی به شکل جوان مشاهده کرده اند.

حضرت قائم علیه السلام را نیز خداوند همین قدرت عنایت فرموده، روایات و حکایاتی که بر این معنی دلالت می کند قسمتی از آنها در جلد اول کتاب مکیال المکارم آمده است.

در کتاب گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام اثر آقای دکتر سید حسن افتخارزاده صفحه ۷۹، در این رابطه آمده است که:

حضرت را، هم در لباس روحانیت دیده اند و هم در لباس عربی و هم در

لباس محلی عشایر اطراف عراق. مرحوم آقا شیخ هاشم قزوینی در مشهد می فرمودند: تعجب نکنید شاید هم یک مرتبه حضرت باکت و شلوار تشریف آوردند. بنابر این، اینطور فکر نکنید که الا و لابد و حتماً حضرت یک قیافه حجت الاسلامی را خواهد داشت و واجب نیست که چنین اعتقادی داشته باشیم. اما باید دانست که حضرت تغییر لباس می دهد ولی تغییر قیافه نمی دهد. زیرا حضرت شاب المنظر است و قیافه اش عوض نمی شود و در روایت هم داریم که با مرور زمان قیافه اش پیر و شکسته نمی شود، اما بر سن او اضافه می شود.

از نظر مکان هم این امکان وجود دارد که حضرت جای خود را تغییر دهد یعنی بعضی وقتها در کوهستان زندگی می کند و بعضی وقتها در دشتها و گاه در دهات، گاهی در عراق و گاهی در ایران و کشورهای دیگر.

حضرت در نامه ای که به شیخ مفید نوشته است می فرماید که ما اکنون در جایگاهمان در فراز کوهی سکونت داریم و بزودی از اینجا به دشتی هموار منتقل خواهیم شد.

۱۰ - حضرت خضر علیّه السلام کهن ترین یار و مونس تنهایی حضرت مهدی (عج):

بر اساس روایتی که مرحوم مجلسی در جلد ۳۶ کتاب بحار الانوار صفحه ۴۱۴ نقل فرموده جناب خضر سالها قبل از تولد حضرت مهدی علیّه السلام در حضور حضرت علی علیّه السلام به امامت و حجت بودن حضرت مهدی علیّه السلام گواهی داده و نیز صراحتاً فرموده که به وجود آن حضرت روزی زمین پر از عدل و داد می شود، پس از آنکه پر از ظلم و جور گردد.

«و گواهی می دهم که مردی از فرزندان شما روزی قیام کند، و عدل و داد را

بجای ظلم و جور به همه جا بگسترانند، و او قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است. سلام و درود خدا بر تو باد یا امیرالمؤمنین».

و بر اساس روایتی که در جلد اول کتاب مکیال المکارم صفحه ۲۷۵ از کمال الدین صدوق نقل گردیده حسن ابن علی بن فضال می گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که آن حضرت می فرمود: «وسیونس الله به وحشته قائمنا فی غیبه و یصل به وحدته» (اکمال الدین مترجم جلد ۲ صفحه ۸۹).

آن حضرت فرمودند: خداوند وحشت قائم ما را در هنگام غیبتش بوسیله حضرت خضر مبدل به انس و تنهائیش را برطرف می نماید.

همین روایت رانیز علامه مجلسی نیز در جلد ۳ بحار صفحه ۲۹۹ آورده است. در روایت دیگر اما رضا علیه السلام فرمود: «خداوند حضرت خضر را ندیم حضرت مهدی قرار داد» بحار ۳۳۶/۲۵ و معجم احادیث امام مهدی علیه السلام جلد ۳ صفحه ۳۸۰ و در صفحه ۱۶۸ جلد ۴ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، که حضرت خضر همواره از همراهان حضرت مهدی علیه السلام است.

از نکات قابل توجه این است که افرادی که به نوعی توفیق تشرف بمحضر حضرت ولی عصر (عج) را پیدا کرده اند حضرت خضر را هم به همراه آن حضرت دیده اند، که نمونه های آن به همراه نقش حضرت خضر در دولت حضرت مهدی علیه السلام از همان کتاب در دست تدوین است که انشاء الله در آینده نزدیک به چاپ خواهد رسید، و در آنجا ملاحظه خواهید فرمود که حضرت خضر طبق روایت از یاران و صحابه حضرت حجت بوده و در دولت وی بعنوان یکی از وزراء فعالیت می نماید. و در دربار و دولت حضرت مهدی علیه السلام مقام رفیعی را دارا باشد.

۱۱ - هر دو بزرگوار در مسجد سهله مأوا دارند:

امام صادق علیہ السلام فرمود: «مسجد سهله محل عبادت خضر و... در این مسجد جایگاه همیشگی آن سوار یعنی خضر علیہ السلام است» (۱).

و در صفحه ۷۲ کتاب صحیفه المهدی این حدیث آمده است که امام فرمود: «گویا می بینم حضرت صاحب الامر را که با اهل و عیالش وارد مسجد سهله شده است و در آن جا ساکن شده اند» (۲).

حضرت آیت الله مرحوم آقای حاج شیخ محمد خادمی شیرازی در کتاب رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی صفحه ۱۷۶ نقل می کند که :

یکی از بزرگان که از هر حیث مورد اعتماد می باشند، از مرحوم شیخ محمد کوفی نقل می کند که شبی در مسجد سهله بودم، صدای روح بخش حضرت بقیة الله روحی فداه را شنیدم که دوبار جناب خضر را به تعبیر «یا خُضَیر» صدا کردند و بلافاصله پیرمردی از یک گوشه مسجد حرکت نمود و به محضر آن مهترتابان شتافت .

مرحوم شیخ محمد کوفی از مردان موفق زمان ما بود که دهها بار سعادت تشریف به پیشگاه ولی الله اعظم را پیدا کرده بود.

۱۲ - جناب خضر محتاج دیدن مهدی علیہ السلام است:

با صرف نظر از عوامل عمومی و معنوی و ارتباطات الهی بین بندگان صالح و شایسته خداوند بر اساس روایات بطور خاص بین حضرت صاحب الزمان و حضرت خضر نبی علاقه و ارتباط مخصوصی مشاهده گردیده که برای نمونه به دو

۱ - بحار جلد ۴۶ ص ۱۸۲ روایة ۴۵

۲ - (بنگرید به کتاب معجم احادیث الامام المهدی ۵۰۲/۳ - فروع کافی ۳۹۵/۳ - بحار ۳۳۱/۵۲).

روایت آن اکتفا می شود.

سیدابن طاووس در کتاب الاقبال نقل کرده که «محمد بن ابی رواد گفت: به همراه جعفرالدهان در یکی از روزهای ماه رجب بمسجد سهله و صعصعه رفتم، شخصیت بزرگوار و ناشناخته ای را در حال نماز مشاهده کردم،... بخدمتش مشرف شدم گفتم: نزنک الخضر علیه السلام ما گمان می کنیم که شما خضر علیه السلام باشید، فرمود: واللّه انی لمن الخضر مفتقر الی رؤیته، انصرفا فانا امام زمانکما» (۱).

یعنی واللّه من آن کسی هستم که خضر محتاج است به دیدن او، برگردید که منم امام زمان شما.

و قریب این روایت را بطور مفصلتر در صفحه ۱۴۱ النجم الثاقب از کتاب المزار شهید اول صفحه ۲۶۴ نقل کرده است
جناب خضر علیه السلام با دجال درگیر می شود.

بر اساس روایتی که در کشف الغمه جلد ۳ صفحه ۲۹۱ و بحار الانوار جلد ۵۱ صفحه ۹۸، در هنگام ظهور مهدی این جناب خضر علیه السلام است در یکی از بیابانهای وسیع اطراف مدینه که با دجال درگیر میشود، و پیامبر فرمود این شخص که با دجال برخورد می کند از بهترین مردم است که بسوی او می آید و می گوید گواهی میدهم تو همان دجال هستی که پیامبر خدا خبر داده است... قسم بخدا اکنون هیچکس از من به احوال تو بیناتر نیست.

و نهایتاً دجال نمی تواند بر او تسلط یابد، (۲).

۱ - النجم الثاقب جلد ۲ صفحه ۱۴۰ به نقل از اقبال اعمال صفحه ۶۴۵

۲ - داستانهای از امام زمان علیه السلام نوشته حسن ارشاد صفحه ۴۰

۱۷ - کوه خضر و موقعیت فیزیکی آن

در کتاب قم را بشناسید تألیف جمعی از دانشمندان قمی فروردین ۱۳۲۸
چنین آمده:

«کوه خضر در ۵ کیلومتری قم قرار دارد، این کوه از لحاظ طبیعی و
معرفت الارضی دارای اهمیت فراوانی است و هر ساله تعداد زیادی از دانشجویان
علوم به آنجا سفر می نمایند»

در صفحه ۵۹ آمده است: «در دوران سوم، قسمت مهمی از نواحی اطراف قم
بواسطه دریای بزرگ مدیترانه مرکز پوشیده بوده است، رسوبات و ته نشینهای
دریای مزبور اکنون در اطراف کوههای شاه جمال - نره داغی - دوبرادران - خضر و
سایر کوههای شهرستان قم دیده می شود».

وضعیت اقلیمی و جغرافیایی

با توجه به ارتفاع گیری کوه از سطح زمین درجه حرارت نسبت به شهر قم
مطلوب تر و در تابستانها خنک تر و در زمستانها سردتر است بادهای مزاحم
کویری از شرق و بادهای مطبوع و باران زا از ناحیه غرب و شمال غربی وزیده و
آب و هوای مجموعه کوه خضر نبی علیه السلام راتحت تأثیر قرار می دهد.

ناهمواریه های فوق العاده کوه نسبت به دامنه از ناحیه شمال زمین نسبت
جنوب ارتفاع می گیرد. این وضعیت در قسمت های غرب و شرق نیز ادامه دارد.

وضعیت قرارگیری سایت در ارتفاعی بالاتر از سطح بافت مسکونی پیرامون
واجد مزایای خاصی می باشد.

اشراف مذکور منظره‌ای بی‌بدیل از شهر قم و مجموعه حرم مطهر حضرت معصومه (س) و مسجد مقدس جمکران بدست می‌دهد.

از خصوصیات دیگر کوه خضر دیده شدن آن از تمام گلوگاهها و جاده‌های کمربندی و اکثر نقاط شهر می‌باشد و لذا جنبه منومانی و یادمانی آن بسیار مطلوب است و در صورت طراحی مطلوب می‌تواند در شب جلوه بسیار زیبایی داشته‌باشد و در روز بدلیل چشم‌انداز مطلوب از نقاط حساس شهر می‌تواند کوه را در دید و منظر بازدیدکنندگان جذاب‌تر جلوه دهد.

مردم با دیدن این کوه می‌تواند خاطرات معنوی خود را از نقاط مختلف شهر تجدید کنند و در واقع این کوه می‌تواند به یک عامل تذکر دهنده خاطره‌آمیز تبدیل شود که در مجموعه عناصر مذهبی و فرهنگی شهر قم جایگاه ویژه بصری دارد.

در فاصله ۳ کیلومتری پروژه یکی از گسل‌های فرعی قرار دارد.

سایت، پروژه‌ای با حساسیت و بار تاریخی مسجد مقدس خضر نبی علیه السلام و کوه مقدس آن امری چند منظوره و در یک جمله یک معماری عرفانی و یادمانی را می‌طلبد.

۱۸ - کوه نیایش یا دوبرادران

این کوه حدفاصل کوه خضر و مسجد مقدس جمکران است.

از نکات قابل توجه، درباره این کوه مطالعه مقاله‌ای است که اخیراً در شماره ۱۵۲ هفته نامه ۱۹ دی قم، مرداد ماه سال ۸۱، توسط آقای ابراهیم سلیمانی تحت عنوان کوه «نیایش» یا تجسم یک نگاه آسمانی، چاپ شده که خلاصه مقاله مزبور بشرح ذیل است:

کوه نیایش معروف به کوه دوبرادران از جمله کوههایی است که اگر چه در لیست کوه‌های مهم دنیا قرار ندارد، اما ضلع جنوبی آن یکی از بلندترین پرتگاههای دنیا است.

این کوه در ضلع جنوب شرقی شهر مقدس قم و سمت قبله قرار دارد، در واقع نزدیکترین کوه به مسجد مقدس جمکران است که چشم انداز زیبایی در برابر دیدگان مشتاقان و زائر مسجد صاحب‌الامر حضرت مهدی (عج) ایجاد کرده است.

منظره زیبای کوههای سمت راست جاده، اولین چشم انداز است که پس از مسجد در دید هر عابری خود نمایی می‌کند. پدیده‌ای طبیعی، پرشکوه و قامتی برافراشته.

خورشید کم کم داشت خودش را پشت کوه دو برادران مخفی می‌کرد، وجود نور نارنجی خورشید در پس زمینه باعث شده بود تا خط الرأس کوه‌ها در پیش زمینه، کاملاً در تاریکی قرار گرفته و به شکل واحد دیده

شود. در این لحظه بود که متوجه تصویر کوه «نیایش» شدم.

اولین حسی که در این لحظه یافتم عظمت و شکوه بسیار حیرت آوری بود که وجودم را تحت تأثیر خودش قرار می داد لحظاتی خیره شدم و سپس دوربین عکاسی ام را آماده کردم و با عجله دو فریم عکس گرفتم. و فیلم را برای چاپ به لابراتور ارسال کردم پس از ظهور و چاپ، عکس را به یکی از دوستان هنرمندم که کارشناس ارشد رشته نقاشی است و بیشتر با شیوه ذهنی کار می کند، نشان دادم. بدون آنکه سخنی بگویم، او گفت این تصویر مثل سر یک انسان است و دریافتم که همه چیز به قاعده است. تناسب اعضاء صورت از پیشانی، پلک، کشیدگی بینی، لبها و مابقی اجزاء صورت همه به زیبایی تمام ترسیم شده است.

اولاً پدیده ای کاملاً طبیعی است ثانیاً تصویر زیبای چهره انسانی را می ماند که روی به آسمان کرده و در آرامشی خاص قرا گرفته است، ثالثاً این تصویر فقط از نقطه مسجد مقدس جمکران این چنین قابل مشاهده است. یعنی اینکه به مقداری که از مسجد فاصله بگیریم بهمان مقدار تصویر مخدوش می شود و بر عکس هرچه به مسجد نزدیک می شویم، چهره کاملتر می شود. رابعاً این تصویر زیبایی که در کوه نقش بسته، در نقطه سمت قبله مسجد واقع شده و خامساً از همه مهمتر اینکه دقیقاً این حالت در غروب بیشتر از هر زمان قابل مشاهده است. در اینجا به یاد آیه شریفه ۱۸ از سوره ص می افتم که خداوند فرموده: «إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ

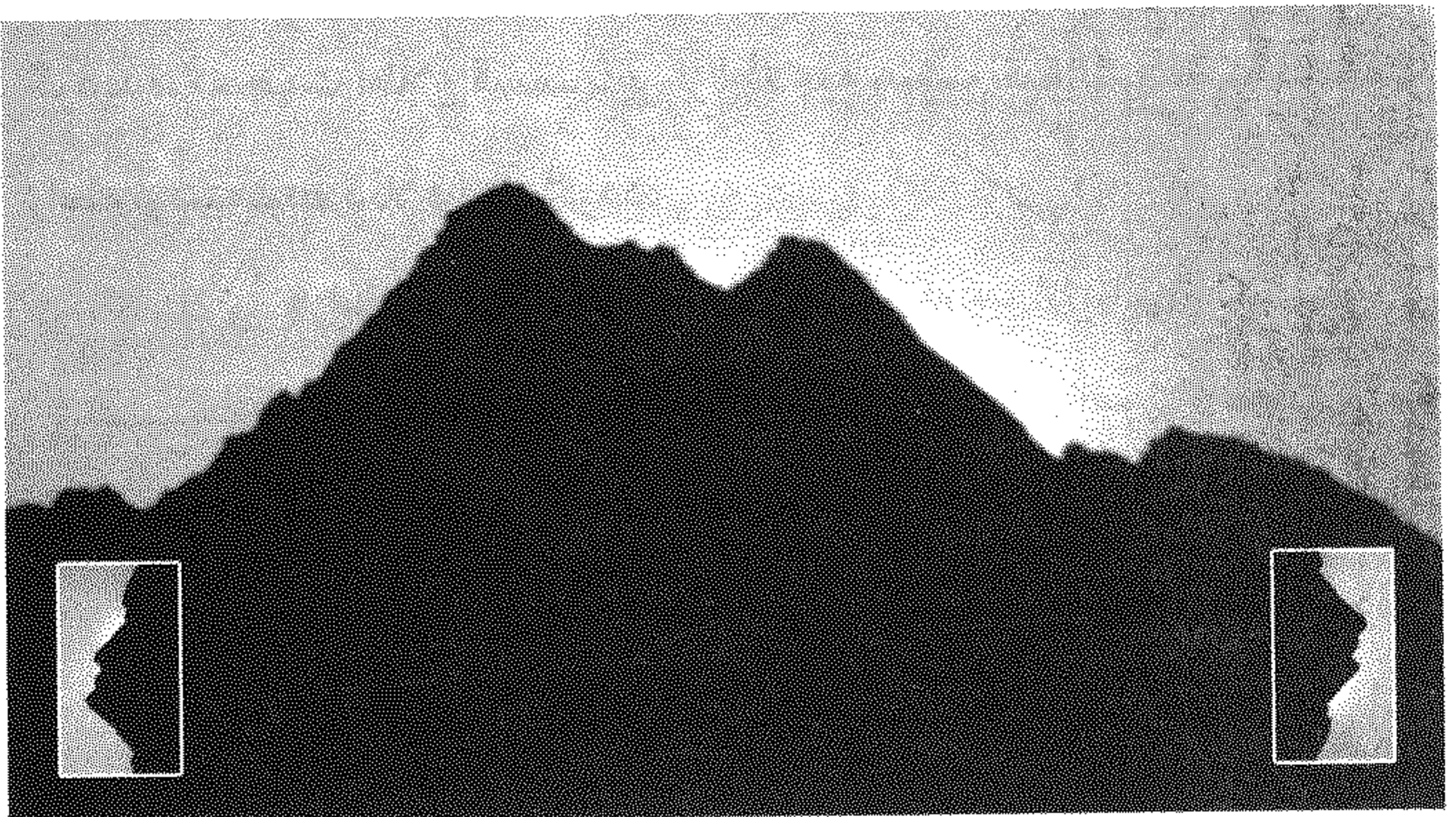
يُسَبِّحُنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ، ما کوه‌ها را مسخر کردیم تا شامگاهان و بامدادان با او، خداوند را نیایش کنند».

از آنجا که کشف این پدیده به خصوص به خاطر قرار گرفتن آن در مجاورت مسجد مقدس جمکران نظر علماء را می‌طلبد، بی‌آنکه تبلیغی در این زمینه صورت پذیرد، ابتدا با چاپ یک قطعه عکس سیاه و سفید آنرا در معرض دید بزرگانی همچون حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله جناتی و دیگر اساتید حوزه و حتی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و بسیاری از محققین و جمعی از هنرمندان قرار دادیم که هر کدام از ایشان نظرات جالبی بیان فرمودند.

همگی در شگفت‌انگیز بودن، زیبا و متناسب بودن اجزاء صورت نظر مشترکی داشتند. به محض مشاهده تصویر خنده ملیحی بر لبان بیننده می‌نشست که حاکی از تعجب او در زیبای پدیده بود. آیت‌الله بهجت (بنقل از حاج علی آقا) فرمود: «در کوه‌ها از این عجائب بسیار است». آیت‌الله سید عباس کاشانی فرمود: این تصویر انسان را به توحید دعوت می‌کند. حجت‌الاسلام مهدوی‌راد گفت: مرا کاملاً تحت تأثیر قرار داد و در باب ارتباط پیامبر عظیم الشأن اسلام با کوه‌هایی همچون جبل‌الرحمه و جبل‌النور و حرا سخن گفت و در نهایت اظهار داشت این یک پدیده جالبی است و می‌تواند مورد توجه باشد.

آیت‌الله جناتی پس از رؤیت تصویر نظر خود را چنین مرقوم داشت:

«تندیس بسیار جالبی را که طبیعت در کوه دو برادران واقع در جنوب مسجد مقدس جمکران به نمایش گذاشته یکی از شاهکارهای هنری آفرینش است، البته همه جای خلقت با ویژگیهایی که دارند شاهکار هنری است، اما برخی نقاط به دلایل ویژه‌ای از برجستگی خاصی برخوردارند که انظار جهانیان را بیشتر به خود جلب می‌کند از آن جمله است. همچنین تصویری که طبیعت بر سینه صخره‌ها نقش داده است و چون این اثر و تصویر از جمله آیات تکوین آفرینگار جهان است، ارائه آن به مردم بسیار پسندیده و فایده‌بخش است».



علت تدفین شهداء گمنام در کوه خضر

گرچه با اوصاف گذشته که در عظمت و تقدیس این مکان مقدس ذکر گردید، و ارتباطی که بین جناب خضر علیّه السلام و وجود مقدس حضرت مهدی سلام الله علیه و از طرفی مسجد مقدس جمکران و مسجد خضر نبی علیّه السلام شکل گرفته و می‌گیرد، مجموعاً هر چند ناخودآگاه، باگذشت زمان این حلقه‌های معنوی اتصال، ظهور و بروز بیشتری یافته و درخشندگی خاصی برای مؤمنین تیزبین ایجاد می‌کند.

دفن این شهیدان عزیز در محل کوه خضر نیز یکی از بارزترین همین جلوه‌های اتصال معنوی و درخشندگی زمینه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) است. با صرف نظر از این مقوله‌ها دلائل قابل ذکر دیگری هم در این رابطه قابل بیان است که چرا دامنه کوه خضر جهت تدفین این ۱۴ شهید عزیزگمنام انتخاب گردیده، که جهت اطلاع قسمتهایی از اطلاعیه هیئت بقیة الشهداء که در همین رابطه نوشته شده ذیلاً ذکر می‌گردد:

«حمد و سپاس بیکران خدای سبحان که پس از سالیانی نسبتاً طولانی عطر خوش ایثار و شهادت را بر شامه جان دلهای افسرده غفلت زده و پراکنده ما چشید.

بالاخره درخواست‌های مکرر و طومارهای طولانی برای دفن شهدای گمنام در استان قم گل استجابت داد و آرزوی جمعی امت شهیدپرور حزب الله برآورده شد و در اربعین حسینی سال ۸۱ پیکر طیبه ۱۴ شهید گمنام در دامنه کوه خضر نبی به خاک سپرده شد.

قابل ذکر است با توجه به وجود مراکز و اماکن پیشنهادی مختلف برای

تدفین شهداء در شهر مقدس قم و در پی آن با بررسی های کارشناسی مسئولان محترم شهر و جلسات مکرر کوه خضر با دارا بودن شرایط ذیل بعنوان مناسب ترین مکان شناسایی و انتخاب گردید.

۱ - این منطقه از قدیم الایام خوشنام و مورد توجه صاحب دلان و ارباب معرفت و عموم مردم بوده و می باشد.

۲ - مکان آن از نظر موقعیت جغرافیایی مرتفع است و به شهر تسلط کامل دارد.

۳ - مکان تدفین شهداء سهل الوصول می باشد و امکان زیارت برای سنین مختلف وجود دارد.

۴ - حرم شهداء قابلیت توسعه دارد که امید می رود با همت مسئولین محترم شهر و پشتیبانی مادی و معنوی امت حزب الله در آینده ای نزدیک تبدیل به مکانی بسیار زیبا و معنوی شود.

۵ - توان تأثیر گذاری معنوی برای زمان حال و آینده دارد، زیرا:

قبور فرزندان ائمه اطهار علیهم السلام علماء و شهداء و صالحین و بزرگان علم و ادب با میزان پیروی مردم آن دیار از مکتب اهل بیت رابطه مستقیم داشته. کانون هایی برای ترویج مکتب مرفی تشیع و بقای آن در این مرز و بوم به شمار رفته اند.

اگر در گذشته اینگونه مکانها تنها بعنوان فضای تفریحی، ورزشی شناخته می شدند اکنون به یمن و برکت پیکرهای طیبیه شهدای گمنام شرافت ویژه ای نیز پیدا کرده اند،

۱ - همسو کردن ورزش با ارزش و سالم سازی فضای کوهستان و

تشویق مؤمنین به حضور در این مناطق و ترغیب آنان به ورزش .

۲ - عظمت دادن و تقدیس شهداء از طریق رفعت دادن به موقعیت ظاهری مکان تدفین شهداء به فرموده مقام معظم رهبری (هر شهیدی پرچمی برای استقلال و شرف این ملت است. ما شهید را پرچم پیروزی میدانیم)

لذا تدفین شهداء در ارتفاعات در حقیقت به اهتزاز درآوردن پرچمهای شرف و عزت است که باید پرچم پیروزی همواره برافراشته باشد.

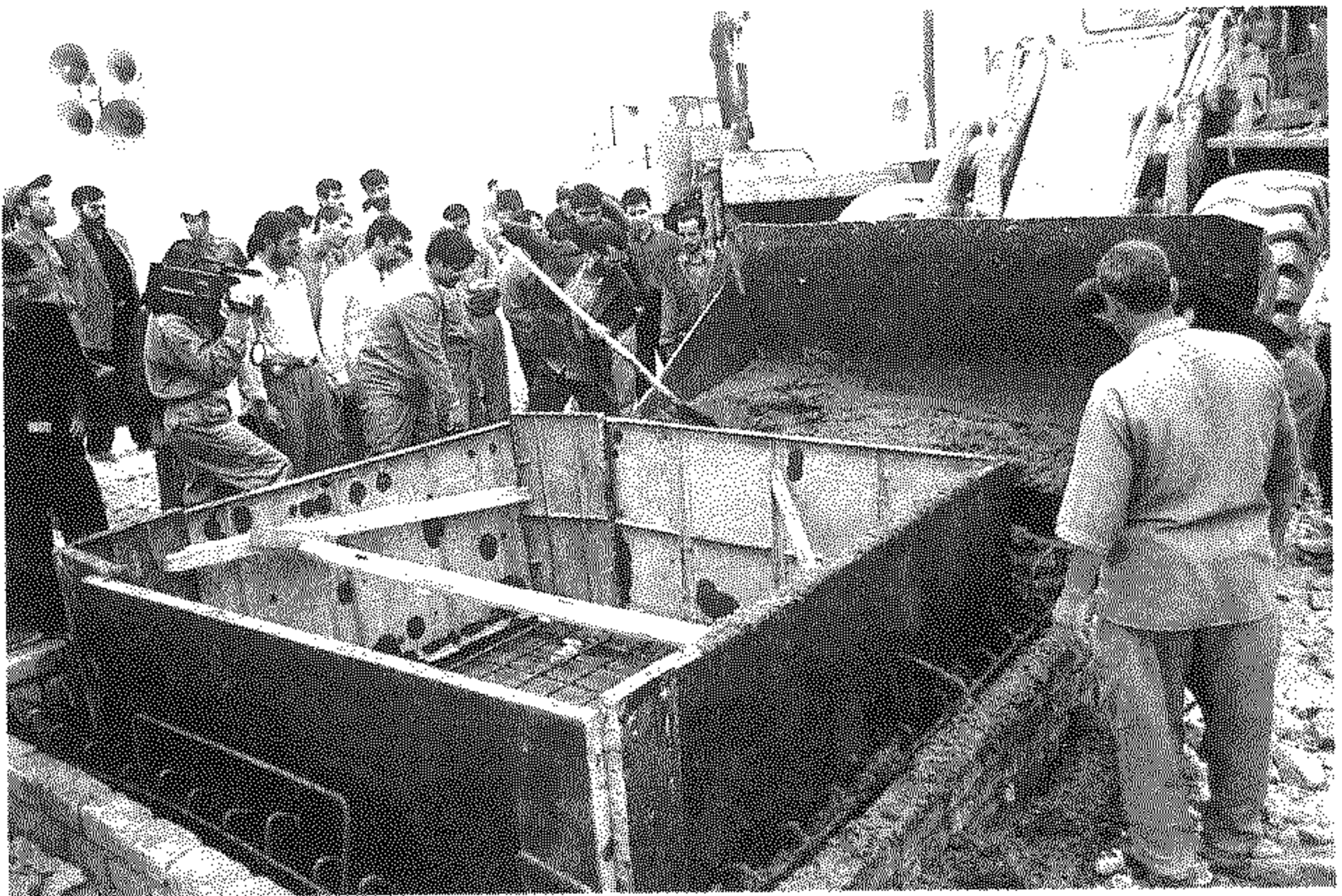
۳ - تدفین شهدا در ارتفاعات بعنوان یک حرکت نمادین که همواره یاد شهید در دلهای مؤمنان خداجوی و همه انسانهای ازاده که به شرف و استقلال این ملت علاقمند هستند زنده و جاودانه باشد و با نگاه به مرقد نورانی شهیدان در تداوم راه آنان و عزم خود استوارتر و راسخ تر شوند.

گرچه متأسفانه با شروع تدفین شهدای گمنام مخالفتهایی از گوشه و کنار آن‌هم نه در سطح توده‌های مردم بلکه در سطح برخی از افرادی که وامدار شهدا نیز هستند دیده و شنیده شده است تا جایی که از همه اهرمهای ممکن برای جلوگیری از تدفین شهدا استفاده نموده‌اند در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان مرقد سربازان گمنام بعنوان یک بنای نمادین و حرکتی ملی و در بخش مرکزی شهرها احداث و مورد احترام و توجه مردم قرار می‌گیرد به نحوی که در سفر رجال سیاسی به آن کشورها از مقام سرباز گمنام تقدیر به عمل می‌آید هنگامی که عده‌ای از مقامات کشورمان با آقای کیم ایل سونگ رهبر فقید کره شمالی دیدار می‌کردند وی

اظهار داشت! ما شهدای خود را بر بالای ارتفاعات مشرف بر پایتخت دفن کردیم تا آنان همواره ناظر ما باشند و فراموش نکنیم که باید راه آنها را ادامه دهیم.

در کشورهای تازه استقلال یافته از جمله روسیه بر اساس یک رسم ملی بسیاری از زوج‌های جوان به هنگام ازدواج کنار قبور سربازان گمنام حضور یافته ضمن نثار تاج گل با آنان میثاقی دوباره می‌بندند. و به نوعی ابراز می‌نمایند که زندگی خود را مدیون آنان هستند.

انتظار عمومی بر این است که ساز و کارهایی در نظر گرفته شود تا مرقد شهیدان گمنام به خوبی و به زیبایی تمام ساخته شود و همه جانبه اداره و قابلیت بهره برداری معنوی و فرهنگی به وجود آید».



آماده سازی قبور دسته جمعی ۱۴ شهید عزیز گمنام - دفتر فنی اوقاف

انعکاس اخبار شهداء کوه خضر در مطبوعات

از جمله برکات معنوی شهداء، تغییر و تحولی است که در راستای گسترش تقدس فرهنگ شهادت بحمدالله در ادبیات عمومی این مملکت تجلی یافته، و علیرغم دیدگاههای مریض و ضعیفی که بعضاً با استفاده از بستر مطبوعات در پی تضعیف و کمرنگ کردن فرهنگ شهید و شهادتند، خوشبختانه مطبوعات نیز مفتخر به ترویج فرهنگ شهادتند، که یکی از رموز برکات تدریجی وجود شهداء گمنام بعد از سالها جنگ تحمیلی، یادآوری و زنده نگه داشتن این ادبیات و فرهنگ ایثار و شهادت است.

برای نمونه قسمتی از گزارشات و انعکاس اخبار مربوط به همین ۱۴ شهید عزیز گمنام مدفون در دامنه کوه خضر را بی هیچ تفسیری در سه مقطع قبل از دفن، روز دفن و بعد از دفن از مطبوعات نقل میگردد:

الف) گزارشات قبل از تدفین

پیکر ۱۴ شهید گمنام در قم به خاک سپرده می شود

روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۸۱/۲/۱۰

«قم - خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی: همزمان با اربعین سرور و

سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیہ السلام پیکر مطهر ۱۴ شهید گمنام

دفاع مقدس در قم تشییع و در بالای کوه خضر به خاک سپرده می شود.
 سردار باقرزاده در گفت و گو با خبرنگاران در محل دفن شهداء اعلام کرد: ۱۴ شهید گمنام دفاع مقدس به یاد ۱۴ معصوم علیهم السلام به قم منتقل و در روز اربعین طی مراسم باشکوهی تشییع و در یک اقدام سمبولیک و تأثیرگذار در محل کوه خضر به خاک سپرده می شوند.
 وی افزود: در نظر است بنای یادبود زیبایی بر مزار این شهیدان در بالای کوه خضر احداث گردد».

۱۴ شهید گمنام در دامنه کوه خضر قم به خاک سپرده می شوند

هفته نامه پیام قم مورخ ۸/۲/۸۱

فرمانده لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب علیه السلام قم گفت: همزمان با اربعین حسینی ۱۴ شهید گمنام در دامنه کوه خضر قم به خاک سپرده می شوند.
 سردار سرتیپ عبدالله عراقی افزود: پیکرهای این شهداء پس از تشییع توسط مردم انقلابی و متدین قم در این منطقه دفن خواهند شد.
 وی اضافه کرد: بنای یادبود نیز به مناسبت ۸ سال دفاع مقدس و شهداء نیز در این منطقه احداث می شود.

عراقی یادآور شد: منطقه کوه خضر به دلیل نزدیکی به مسجد مقدس جمکران و اهمیت این کوه انتخاب شده و ۱۴ شهید به یاد ۱۴ معصوم در این مکان به خاک سپرده می شود.

کوه خضر در روزهای تعطیل مورد توجه مردم قم قرار گرفته که بجهت کوهنوردی در این مکان حضور پیدا می کنند».

ب) گزارشات روز تدفین

مردم قم مقدم شهیدان حماسه آفرین دفاع مقدس را گرامی داشتند

روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه مورخ ۸۱/۲/۱۵ شماره ۶۶۲
«قم - خبرنگار جمهوری اسلامی: همزمان با اربعین سرور و سالار
شهیدان حضرت حسین بن علی علیهما السلام پیکر پاک و مطهر ۱۴ شهید گمنام
کربلای ایران در قم تشییع شد.

مردم مسلمان و متعهد قم با شور و شوق وصف ناشدنی که یادآور
روزهای به یاد ماندنی دفاع مقدس بود، با حضور در میدان آستانه و مسیر
پنج کیلومتری تشییع شهیدان از مقام والای حماسه آفرینان دفاع مقدس
تجلیل کردند.

پیکر پاک و مطهر شهیدان گلگون کفن پس از برگزاری مراسم و ادای
نماز توسط آیت الله نوری همدانی بر دستان پر صلابت مردم همیشه در
صحنه و قدرشناس قم تشییع و در بلندای کوه خضر به خاک سپرده شد.
مردم شهید پرور و غیور قم در تمامی مسیر تشییع با برپائی
ایستگاههای صلواتی، دود کردن اسپند، قربانی کردن گوسفند و نثار گل
مقدم شهیدان به خون خفته جنگ تحمیلی را گرامی داشتند.

قبل از برگزاری نماز بر پیکر مطهر شهیدان، آیت الله نوری همدانی طی
سخنانی با تجلیل از مقام شاخ شهدای عزت آفرین و حماسه ساز دفاع
مقدس، آنان را شاگردان مکتب اربعین و عاشورا دانست و اظهار داشت:
«شهیدان دارای فضائی فراوان هستند خصوصاً شهیدان گمنام که همین
گمنام بودن دلیل اخلاص کامل آنهاست».

آیت الله نوری همدانی تصریح کرد: «انتظار شهیدان از ما حفظ اصول و ارزشهاست و امروز که دشمنان می خواهند با ایجاد تردید و شبهه مردم را از اصول و ارزشها جدا کنند بر همه ما لازم است که بسیار بیدار و هوشیار باشیم».

برپایه این گزارش اداره کل اوقاف و امور خیریه با مشارکت بنیاد شهید انقلاب اسلامی قم ساخت بقعه متبرکه و زیارتگاه شهداء و بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس نیز ساخت یادمان شهیدان گمنام رادر محدوده این مکان مقدس بعهده گرفتند.

با شرکت هزاران نفر از مردم قم

مراسم تشییع پیکر پاک ۱۴ شهید گمنام در قم برگزار شد

هفته نامه پیام قم مورخ اردیبهشت ۸۱

«همزمان با اربعین حسینی مراسم تشییع ۱۴ شهید گمنام استان قم صبح روز جمعه مورخ ۸۱/۲/۱۳ از میدان آستانه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) و با برگزاری یک آئین با شکوه برگزار و پیکرهای پاک این عزیزان در دامنه کوه خضر به خاک سپرده شد.

به گزارش خبرنگار ما کاروان مردم شهید پرور قم اعم از زن و مرد، پیر و جوان در حالی که بسیاری از آنان با پای برهنه بدنبال پیکرهای شهداء در حال حرکت بودند، این ۱۴ شهید گمنام را از حرم مطهر حضرت معصومه تا کوه خضر واقع در منطقه جمکران بدرقه نمودند.

حضور جوانان با سنین مختلف در این مراسم پر شکوه جلوه خاصی به مراسم تشییع داده بود».

در هفته نامه بعثت هفته سوم اردیبهشت ماه ۸۱ نیز تحت عنوان

«وداع جانسوز مردم با ۱۴ شهید دفاع مقدس»

گزارش شبیه آنچه که در روزنامه جمهوری اسلامی آمده بود نقل

کرده است

ج) گزارشات بعد از تدفین

مراسم شب هفت ۱۴ شهید گمنام با حضور جمع کثیری از مردم برگزار شد

هفته نامه ۱۹ دی شماره ۱۴۱

گروه خبر: در آستانه ۲۸ صفر سالروز رحلت پیامبر گرامی اسلام و شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی علیهما السلام مراسم شب هفت ۱۴ شهید گمنام با حضور جمع کثیری از مردم حزب الله و شهید پرور قم برگزار شد. خانواده شهداء، جانبازان، ایثارگران و اقشار مختلف، با حضور در این مراسم بر مقام شایخ شهدای گمنام ارج نهادند و پیمان بستند که همچنان راه شهدا را در حمایت از نظام اسلامی و اطاعت از رهبری ادامه دهند.

همچنین به منظور بزرگداشت مقام والای شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی به خصوص ۱۴ شهید گمنام، مراسم پرفیض زیارت عاشورا صبح روز چهارشنبه از طرف نیروی انتظامی و صبح جمعه دعای ندبه با حضور عاشقان ولایت و شهادت در محل کوه خضر نبی علیهما السلام، گزار شهدای گمنام برگزار شد.

در شماره ۲۳۱ هفته نامه سبحان نیز در همین رابطه مقاله زیبایی درج

گردیده که به تناسب فشرده‌ای از آن نقل می‌گردد:

شهیدان گمنام، اصحاب کف زمان ما

«می خواهم از مظلومیت این کبوتران گمنام سطری بنویسم، اما کدام کلام می تواند بیانگر عمق مظلومیت این گمنامان نام آور باشد، به ناچار به قرآن رجوع می کنیم تا ببینیم خدای متعال چگونه قلم را هدایت می کند. شاید مرکب سیاه فام قلم مزین و متبرک به بوی عطر خون شهید شود.

قرآن را می گشایم سوره کف، خدایا چقدر مشابَهت دارد، اصحاب کف و شهیدان غار انقلاب ما و عزیزان گمنام ما. حالا باید هم داستان اصحاب کف را بنگرم و هم قصه غصه آمیز شهیدان گمنام و هم نقاط مشابَهت این دو قصه را باز بگویم.

خداوند بزرگ داستان این جوانمردان عاشق خود را برای پیامبر بزرگش باز می گوید و می فرماید «ما قصه این قوم را برای تو باز می گوئیم، اینان جوانمردان مؤمنی بودند که به خدایشان ایمان آورده و مانیز بر مقام ایمان و هدایتشان افزودیم».

آری مهم نیست که اصحاب گمنام امام زمان (عج) و شهدای والامقام و نام آور ما چه کسانی هستند و از کدام سرزمینند مهم آن است که اینان جوانان پاک باخته ای بودند که علیه دقیانوس زمانشان به هجرت روی آوردند و جهاد کردند و اخلاص را به نهایت رسانده و حتی با پلاک هم قهر کردند. مهم آن است که حنا بندان خون و حجله گاه خاک و دامادی آخرت را بر همه دنیا و متاع آن ترجیح دادند تا به ما بگویند که رسم جوانی و جوانمردی چیست؟ و ای کاش نگارنده نیز مصداقی از «کلب کف» باشد تا

به برکت همنشینی با اصحاب رنگ الهی این عزیزان را بگیرد. خدای متعال پس از سالها اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد تا بیدارگر اقالیم باشند «وَكَذَلِكَ أَغَثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا» امروز نیز خداوند متعال از غارهای سرزمین شلمچه، فکه، و طلائیه مردانی بزرگ را بیدار کرده، به مقام والای شهادت و شفاعت نایل گردانیده تا به ما غافلان بریده از آخرت و دل داده به دنیا، بگویند که قیامت نزدیک است زاد و توشه‌ای بردارید «إِنْ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى».

اینها سفیر غفلت زدائی هستند. شاید اگر این گل‌های گمنام آن روزها به خاک سپرده می شدند، امروز برای غبارزدائی از جان و دل ما، هیچ نداشتیم. اگر اینها نبودند نسل امروز با شهادت و خون و ایثار ارتباطش قطع می شد. شباهت داستان غم انگیز شهدای گمنام ما با اصحاب عزیز کهف به همین جا ختم نمی شود!

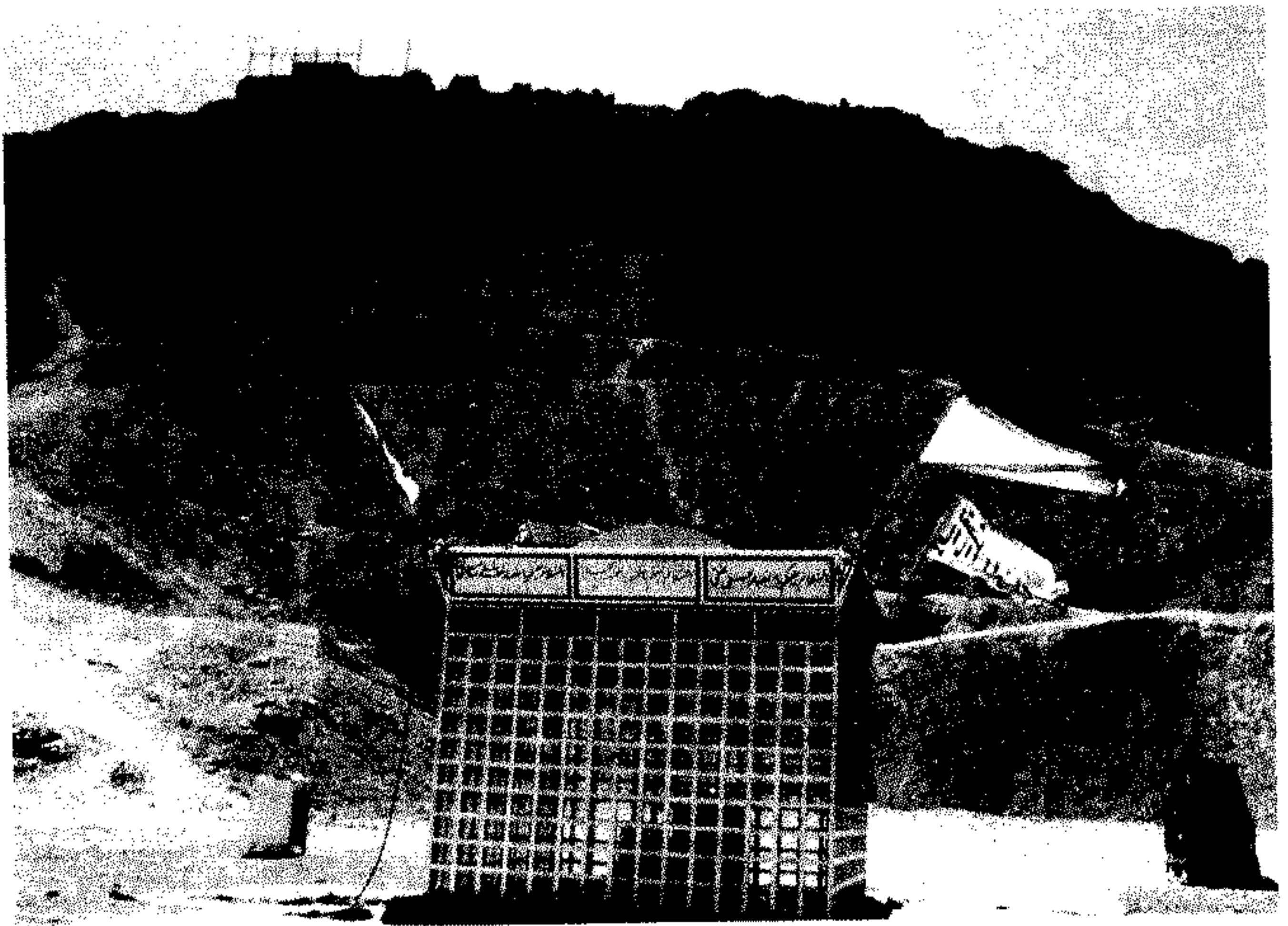
همه می دانند که وقتی بر مردم معلوم می گردد، که اینها همان یاران غارند بسوی آن غار در سینه کوه شتابان می روند و معجزات الهی را مشاهده می کنند.

شهدای عزیز ما نیز از نام داری، اسم و رسم دل خوش ندارند و گمنامی را انتخاب کرده تا از هر آنچه غیر خداست دل ببرند. مردم آن زمان پس از آگاهی از رسم و مرام این عزیزان کهف، به مشورت می پردازند که برای بزرگداشت نام این عزیزان چه کنند؟. نهایتاً گروهی که عارف به احوال عرفانی آنانند پیشنهاد می کنند که مسجدی بر کنار آنان بنا می کنیم تا هدایتگر مردم به نماز یعنی برترین رکن اسلام باشند.

«قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا» (۱)

و آفرین بر شما مردم که به حق این شهیدان گمنام، عارفید و با عرفان خویش قبور مطهر آنان را زیارتگاه خواهید کرد. و امروز ما بر این تپه که دیگر نامی دارد و بنام «شهدای گمنام» مسمی شده، گرد آمده‌ایم تا با صدای بلند و برخاسته از اعماق دلمان حیات طیبه شهیدان در جنات الهی را شهادت دهیم و بگوییم «شهیدان زنده‌اند الله اکبر»

شفاعت شهدای گمنام نصیب همه ما باد



۱ - و چه زیبا و مقدس است مسجدی که به نام حضرت خضر نبی و زیر نخست حضرت مهدی (عج) در کنار مزار شهیدان گمنام بهمت امت احیاء گردیده.

«به سمت شقایق...» عنوان جزوه‌ای است که توسط گروه فرهنگی معراج به مناسبت خاک سپاری شهداء گمنام خضر نوشته شده است که قسمتهایی از آن نقل می‌گردد:

اینک، شنیدیم که می‌آیند...

باز یک کاروان می‌آید. همنوا با ناله‌های جانسوز کاروان آل‌الله در امتداد خط سرخ حسینی. تا قرن‌ها غربت شیعه را از محرم ۶۱ تا کنون به هم گره بزند.

چهارده اسطوره جاودانگی، چهارده وجود بی‌نشان، چهارده شهید بی‌نشان از سلاله سبز یاران روح‌الله، همانان که در ملکوت معروفترین‌اند و در نگاه ناقص ما، ناشناس و گمنام.

عدد مقدس چهارده بهانه‌ای برای نگفتن نمی‌گذارد. آیاتی خونین با پر و بالهای شکسته از پس سالها غربت و هجرت پیچیده در شیرازه‌های سپید از جنس ابر که حکایت پرواز ققنوس وارشان است از فرش به عرش، از خاک تا افلاک.

شنیدیم که می‌آیند...

بحث شهدای مفقود و گمنام بحث دیگری است که هر چه در اسرار شهدا بیشتر عمیق می‌شویم، می‌بینیم که شهدایی که مفقود بودند، اسرار دیگری دارند.

آنها گمنام نیستند، بلکه ما با عملهای کوچک و مادی خود فکر می‌کنیم که آنان گمنامند، آنها در ملکوت اعلیٰ معروفترین مردان روزگار هستند. آنها پیدای پیدای، روزگار هستند بلکه ما که در مقابل آنها قرار

می گیریم گمنام هستیم و زندگی اینان به گونه‌ای عجیب با زندگی ائمه
(علیهم السلام) گره خورده است.

من فکر می‌کنم آنهایی که گمنام‌ترند، بیشتر فنای در اهل بیت و فنای
فی الله شده‌اند.

و در صفحه ۳۶ جزوه مذکور نیز مقاله‌ای تحت عنوان (میخواهم با تو
به «کوه خضر» بیایم) نگاشته شده است که در فرازی از آن چنین
آمده است:

می آیند سبکبال تر از همیشه
با کوله باری از عشق لاله‌های عاشق

پرپر

سرخ

پاک...

که مقتدای پاکی‌شان ۱۴ گل سرخ محمدی است
می آیند، نشانی از خود ندارند
تا خواهرانشان مویۀ زینب را تکرار کنند.

گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را...

سبزتر از بهار تابی‌نشانی‌شان نشان دوست را در دو کوهه ایمان و
معرفت تفسیر کند.

می آیند تا از راز جنون در جزیره مجنون بگویند و قلبهای ما را به
مهمانی نور در اشک شبهای فکه ببرند.

از غربت خرمشهر بگویند و از طنین شهامت در شلمچه و فکه.

از پیاده‌روهای خیابان انقلاب تا «شهدا» یک موج جمعیت عاشق
ایستاده‌اند.

عطر اشک و اسپند و صلوات رهاست و فانوس انتظار در حال سوختن
است.

مادران چنان گام بر می‌دارند که گویی خیابانهای سرد دلگیر پائیز را
طی می‌کنند.

کودکان چنان کنجکاوانه به اشک پدران خیره شده‌اند که می‌گویی به
پاسخ سؤال بزرگی رسیده‌اند و چشمها به آن سو خیره می‌شود، عطر جبهه
پراکنده می‌شود.

روی دستها

۱۴ لاله عاشق می‌آید.

جمعیت شرمگین آرام آرام در مقابل عراشخانه آنها قدم بر
می‌دارد.

جمعیت در حجمی غریب، غرق ابهت عشق مانده‌است

کاروان شهدا روی دستها با اشک دیدگان به پیش می‌رود و این
دلهاست که ندا سر می‌دهند.

ای کاروان آهسته ران کاآرام جانم می‌رود...

فرزند شهیدی به دنبال تابوت پدر می‌دود: صبر کن پدر!

صبر کن! مگر قول ندادی وقتی که از سفر برگردی مرا به کوه ببری.
بگذار بیایم.

دیگر می‌توانم از کوهپایه تا قله به دنبال تو بدوم دستانت کجاست تا

دستانم را در گرمای آن بگذارم و با تو تا کوه خضر بیایم.

و چه زیباست در اینجا این روایت که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در آخرالزمان در برابر سرکشان گروهی به جهاد خواهند پرداخت که «فی الارض مجهولون و فی السماء معروفون...» این مجاهدان راه خدا در روی زمین مجهول و ناشناخته «گمنام» ولی در نزد اهل آسمان معروف و شناخته شده‌اند. (۱)

در جزوه گروه فرهنگی معراج که بمناسبت اربعین همین ۱۴ شهید گمنام انتشار یافته مقاله‌ای توسط آقای حامد حجتی تحت عنوان «چهارده رکعت عشق» نگاشته شده است، که هر رکعت فرازی از خاطرات جبهه و پیوند رزمنده با کربلا است، نهایتاً در فرازهای پایانی چنین آمده است:

«و این روزها کاروانی از سمت جنوب می‌آید تا داغ ما را تازه کند چند وقتی است داغ ندیده‌ایم. زخم‌هایمان را فراموش کرده‌ایم و باید بیایند تا شاید ما باز هم سکوت مرگبار دلهایمان را با اشک بشکنیم. کاروانی می‌آید درست مثل سفیران کربلا تا شهرهایمان بوی غربت زینب بگیرد، بوی آتش عشق حسین، بوی جبهه، بوی تشنگی و ما چقدر سنگدلیم اگر نباریم و نبارانیم.

اینان اربعینیانند که آمده‌اند. بازمانده کربلا. اگر می‌خواهیم عطر لباسهای زینب را بجویم و در پیچ گیسوان رنج دیده و خاک خورده کاروان گم شویم، آمده‌اند به شهر ما. بشتابیم تا کاروان نرفته دست به دامن شهیدان کربلا شویم.»

برگزاری مراسم اربعین شهدای گمنام

هفته نامه ۱۹ دی شماره ۱۴۶ هفته چهارم خرداد ماه ۱۳۸۱

«گروه خبر: به مناسبت گرامیداشت اربعین خاکسپاری ۱۴ شهید گمنام در کوه خضر نبی علیّه السلام، مراسم باشکوهی بر سر مزار این شهیدان برگزار شد.

در این مراسم که جمعی از مسئولان استان، خانواده‌های شهداء، جانبازان، ایثارگران و اقشار مختلف مردم حضور داشتند، حاج علی مالکی نژاد مداح اهل بیت در رثای شهادت حضرت علی اکبر علیّه السلام در روز عاشورا و مقام شاخ شهدای ۸ سال دفاع مقدس بخصوص ۱۴ شهید گمنام مرثیه سرایی نمود.

سپس سردار فضلی رئیس اداره امنیت ستاد فرماندهی کل قوا، طی سخنانی با ذکر خاطراتی از دوران دفاع مقدس، از شهداء بعنوان مظهر عزت و افتخار ملت ایران یاد کرد و افزود: هرآنچه داریم از شهداء داریم، شهدایی که در اول انقلاب و ۸ سال دفاع مقدس صحنه‌های بسیار ارزشمندی برای این امت به وجود آوردند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود، نیاز اصلی مردم ایران را دشمن شناسی عنوان نمود و تأکید کرد: امروز عده‌ای می‌خواهند بین ما و نظام انقلاب جدایی بیفکنند. مواظب باشید که خون بیش از ۲۱۴ هزار شهید که در راه اسلام و انقلاب ریخته شده است، به هدر نرود.

گفتنی است در حاشیه این مراسم، نمایشگاه عکسی از مراسم تشییع، تدفین و آماده سازی کوه خضرنبی، جهت خاکسپاری ۱۴ شهید گمنام برپا شده بود.

از نکات قابل توجه، حضور گسترده زنان و جوانان در مراسم گرامیداشت اربعین شهدای گمنام بود.

تاریخ و محل شهادت ۱۴ تن از شهدای گمنام که در دامنه کوه خضرنبی علیه السلام به خاک سپرده شده اند.

فرماندهی محترم لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب بر اساس نامه ۳۹۸۵
 مشخصات ۱۴ شهید گمنام کوه خضر علیه السلام به ترتیب تاریخ عملیات بشرح
 ذیل اعلام نموده است:

- ۱ - عملیات رمضان تیر ماه ۱۳۶۱ در مناطق شرق بصره، پاسگاه زید، شلمچه چهار شهید.
- ۲ - عملیات محرم آبان ماه ۱۳۶۱ منطقه شرهانی یک شهید.
- ۳ - عملیات والفجر مقدماتی اسفندماه ۱۳۶۱ منطقه فکه یک شهید.
- ۴ - عملیات تک دشمن در منطقه شرهانی شهریورماه ۱۳۶۲ یک شهید.
- ۵ - عملیات خیبر اسفندماه ۱۳۶۲ منطقه جزیره مجنون و طلائیه سه شهید.
- ۶ - عملیات بدر اسفندماه ۱۳۶۳ منطقه هورالعظیم یک شهید.
- ۷ - عملیات کربلای پنج بهمن ماه ۱۳۶۵ منطقه شلمچه دو شهید.
- ۸ - عملیات بیت المقدس خردادماه ۱۳۶۷ منطقه شلمچه یک شهید.

مقاله ذیل در نشریه گویه قم، به تاریخ مهرماه سال ۱۳۸۱، بقلم آقای

پوررحمتی درج گردیده که ضمن تشکر با کسب اجازه بلعاطه زیبائی مفهوم آن در پایان این فصل متن کامل آن ذکر می‌گردد.

«در فاصله‌ای نه چندان دور، بر فراز دامنه کوه خضرنبی علیّه السلام چهارده لاله گمنام و بی نشان در آغوش خاک آرمیده‌اند. پرستوهای خسته دلی که بر بالای آن مکان مقدس و در جوار مسجد خضرنبی علیّه السلام بال گسترانیده‌اند، شقایق‌های سرخ رنگی که با ایثار و از خود گذشتگی، گلبرگ‌های وجودشان ذره ذره پرپر شد تا ما در آرامش خیال و رفاهی همیشگی روزگارمان را سپری کنیم.

در آن خلوت و سکوت حاکم بر کوه، نسیمی خنک روحم را نوازش می‌داد. وجود سنگ‌های ریز و درشت، راه رفتنم را کند می‌کرد اما عشق به شهدا و رسیدن به کنار ضریح مطهر و منورشان سختی راه را بر من آسان می‌نمود... وقتی به بالای بلندی رسیدم به جمعیتی که برای خواندن نماز جماعت مغرب و عشا صف کشیده بودند، چشم دوختم.

لحظه‌ای بعد، من هم به صف نمازگزاران ملحق شدم و نماز مغرب و عشا را با جماعت خواندم. پس از پایان نماز، حال و هوای خاص و معنوی تمام فضای ملکوتی اطراف را دربرگرفت. کنار ضریح رفتم و سرم را به میله‌های ضریح شهدا نزدیک کردم. چراغ سبز رنگی درون ضریح را منور کرده بود. روی سطح درون ضریح را با پارچه سبزی که متبرک شده از کربلا بود، پوشانده بودند. چندین رحل به همراه قرآن در درون آن به چشم می‌خورد. کنجکاوانه آنها را شمردم، با کمال تعجب متوجه شدم که دقیقاً به نام چهارده معصوم و نیز به تعداد همان چهارده شهید گمنام در

درون ضریح رحل و قرآن وجود داشت. گلدان بزرگی با گلهای زرد در پایین رحل ها بود .

ناگهان چشمم به زنجیر و پلاکی که لابه لای یکی از شاخه های آن گلدان واقع شده بود افتاد. نمی دانستم آن پلاک آنجا در درون ضریح مطهر شهداء چه می کرد و متعلق به کدام رزمنده یا شهید و یا جانبازی بود! بر بالای حرم مطهر، دو پرچم زرد رنگ با عنوان یا ابوالفضل العباس علیه السلام به اهتزاز درآمده بود و هرچند لحظه یک بار، بانسیم ملایم و بادی دل انگیز به حرکت در می آمدند.

تمام چراغ ها در شهر می درخشیدند و منظره شهر از بالای آن دامنه بلند، زیبابه نظر می رسید، حتی گنبد درخشان و پرنور حرم حضرت معصومه (س) به همراه مناره های چراغانی شده اش از کنار حرم شهدا هویدا بود. مکان این چهارده عزیز گمنام را به این علت در آن نقطه از شهر انتخاب کرده بودند که بر سرتاسر شهر واقف باشند، شاید هم دلیل دیگری داشت.

هر شب در فضایی ملکوتی، نماز پرفیض مغرب و عشا در کنار ضریح مطهر و منور شهدا با صفوفی منظم به جماعت خوانده می شود و پس از اقامه نماز، امام جماعت به ایراد سخنرانی و بیان احکام می پردازد. در روزها و شب های مختلف برنامه های خاصی اجرا می گردد. دعای توسل در شب های چهارشنبه و دعای کمیل در هر شب جمعه خوانده می شود. هر صبح جمعه نیز، دعای پرفیض ندبه برگزار می گردد و در عصر روز جمعه برنامه با دعای سمات و نقل خاطراتی از شهدا به پایان می رسد. شاید خیلی از شما عزیزان هنوز موفق به زیارت این مکان نشده باشید ولی برای رفتن و

شرکت در برنامه‌های مختلف حرم مطهر شهدای گمنام هیچ وقت دیر نیست. این وظیفه ماست که با قدوم سبزمان به دیدارشان بشتابیم... اتوبوس‌های عادی شهرک امام خمینی آماده سرویس دهی شما زائران عزیز به این مکان می‌باشد.

در پایان، قسمتی از قصیده‌ای را که توسط امام جماعت شهدای کوه خضر نبی علیّه السلام سروده شده، از نظر شما خوانندگان محترم می‌گذرانیم.

پیام و عظمت شهید

مظهر قدرت این ملک و دیار
آمدند از جبهه‌ها با اقتدار
پیکر غرق به خون، گلگون کفن
سربلند و با شکوه و استوار
جایتان در این بلندای زمین
روحتان در عرش بگرفته قرار
گرچه گمنام است نام پاکتان
امت و رهبر نمایند افتخار
قدر و قیمت چون گرفته است این مکان
کوه خضر و صخره و هم خاک و خار
در جنوب و قبله کوی شهید
زین الدین را این عزیزان هم قطار
جلوه خاصی گرفته این مکان از کوه را
مفتخر بر دو برادر، هم کوه خضر هم جوار»

اردوگاه منتظران دولت حضرت مهدی علیه السلام

در پایان این تألیف و تحقیق هرچند قاصر آنچه که نگارنده با تمام وجود آرزوی تحقق آن را دارد، و این نوشته نیز برای انجام مقدمات این مهم تدوین گردیده است این است که:

از مجموعه مطالعات و مشاهدات، و منقولات مندرج در این کتابچه، این آرزو و استدعا ناخودآگاه در فضای ذهن می درخشد، که با عنایت به تقدس طولانی عمر جناب خضر نبی، مقولات مربوط به غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، رسالت زمینه سازی و عملیات تعجیل ظهور برای شیعه، نقش ملت ایران و رسالت شهر قم در این رابطه،.... و دهها مؤلفه دیگر.... چه بسیار شایسته و بجا است که از هم اکنون مسئولین فرهنگی و اجرائی، خالصانه و انقلابی مصمم شوند اراضی وسیع و طبیعی حدفاصل کوه خضر و مسجد مقدس جمکران را بمنظور ایجاد تشکیلات وسیع اردوگاه بین المللی منتظران حضرت مهدی (عج) آماده سازند. و هرآنچه که مستلزم ایجاد چنین اردوگاه عظیم جهانی است به تدریج برنامه ریزی نمایند، و به نوعی آرزوی ظهور فرج حضرت حجت را داشتن عملاً به نمایش گذارند که تحقیقاً انشاءالله فرج نزدیک است، و زمینه های حکومت واحد جهانی بدست حضرت قائم آل محمد (عج) فراهم است.

و امید است که انشاءالله مقام معظم رهبری نیز در این رابطه امر به مساعدت مقتضی فرمایند که با عنایات کریمانه آن مقام والای ولایت در راستای علیه السلام اخلاص، صحت و مقبولیت این حرکت مقدس به عاشقان حضرت مهدی علیه السلام تسلی خاطر بیشتری نصیب فرمایند.

- برای شما خوانندگان عزیز و گرامی نیز مجدداً خلاصه رسالت و مسئولیت این مکان مقدس را به شرح ذیل یادآوری و آرزوی توفیق و خدمت مؤکد داریم :
- ۱ - کتاب انوارالمشعشعین یکی از جامعترین منابع معتبر و موثق اماکن متبرکه قم است .
 - ۲ - به نقل این کتاب علی علیّه السلام خبر از وجود کوهی سفید در کنار ده جمکران داده است، که هنگام ظهور حضرت مهدی علیّه السلام محل نصب پرچم قائم آل محمد صلی الله علیه و آله میگردد.
 - ۳ - بگواهی نویسنده کتاب انوار و مشاهدات عینی، کوه مورد نظر امام علی علیّه السلام همین کوهی است که موسوم به کوه خضر است و در قله آن مسجدی بنا گردیده است.
 - ۴ - این خود یکی از معجزات است که علی علیّه السلام سالها قبل از تولد حضرت مهدی علیّه السلام و ظهور اسلام در ایران خبر از: قم، کوه سفید، ده جمکران و نصب پرچم حضرت مهدی علیّه السلام داده است.
 - ۵ - به شواهد تاریخی جناب خضر نبی علیّه السلام در کنار حضرت مهدی علیّه السلام در تأسیس مسجد مقدس جمکران حضور داشته است.
 - ۶ - گوئی در کنار مسجد مهدی علیّه السلام در جمکران مسجد خضر نبی علیّه السلام در قله این کوه سفید همجوار جمکران ظهور یافته است.
 - ۷ - سالهای طولانی مسجد جمکران مهجور و کم مشتری و مسجد کوه خضر بمراتب گمنامتر بوده است .
 - ۸ - در سالهای اخیر مسجد مقدس جمکران برخوردار از رونقی چشمگیر و پرشتاب و مسجد کوه خضر نیز همواره محل اطراق اوتاد و عباد محجور و اخیراً رونقی تازه یافته است.

۹ - ایجاد ارتباط فضای طبیعی و معنوی بین این دو مکان مقدس امروز مشهود، محسوس و غیر قابل انکار است .

۱۰ - خلقت و ارادت حضرت خضر نبی علیه السلام در کنار حضرت مهدی علیه السلام و نقش او در دوران غربت، غیبت، و ظهور حضرت مهدی علیه السلام خود تداعی بخش فلسفه وجودی این دو مکان مقدس آن هم در جوار شهر مقدس و نقش آفرین قم در دوران غربت، غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

۱۱ - تدفین ۱۴ شهید عزیز گمنام، استقبال روزافزون امت، و بازسازی فضای کوه و مسجد مقدس که بنحو معجزه آسا شکل گرفته و می گیرد، تحقیقاً ابزار فراهم سازی زمینه های اردوگاهی است که انشاء الله محل نصب پرچم پیروزی حضرت مهدی علیه السلام گردد.

۱۲ - آیا احساس نمی کنید که شما خواننده عزیز نیز شایسته است در ایجاد این اردوگاه عظیم منتظران دولت حضرت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله سهمیم و شریک باشید؟

انشاء الله

